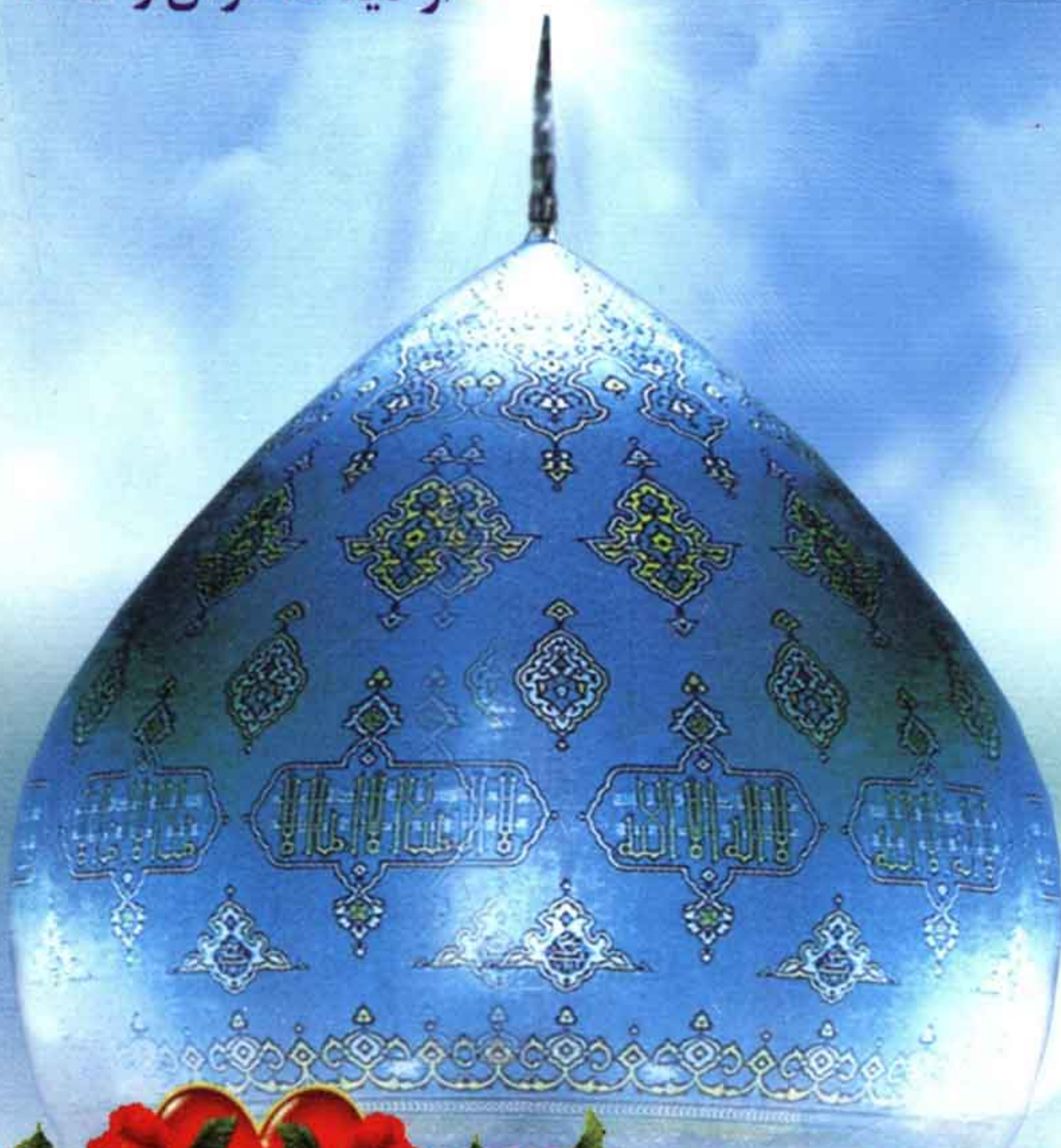


بِقِيَّةِ اللَّهِ

نگرشی بر شخصیت امام زمان علیه السلام
از دیدگاه قرآن و سنت



● العبد امیر حسین اسفندیاری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
فَأَنَّ اللَّهَ سَمِعَ
وَمَا يَشْعُرُ أَهْوَاؤَهُمْ
أَلَمْ يَجْعَلْ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا

«هو الحق»

«بقية الله»

نگرشی بر شخصیت امام زمان

(سلام الله عليه)

از دیدگان قرآن و سنت

تهیه و تنظیم: العبد امیرحسین اسفندیاری

اسفندیاری، امیر حسین ۱۳۶۲ -
بقیة الله / نگرشی بر شخصیت امام زمان (عج) از دیدگاه قرآن و سنت / تهیه و تنظیم امیر
اسفندیاری - قم: عصر جوان، ۱۳۸۶.

ISBN:964-8806-42-X

۱۱۲ ص

۱۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۱۲؛ همچنین بصورت زیرنویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - جنبه‌های قرآنی.

۲. احادیث

۳. مهدویت - جنبه‌های قرآنی.

۳. مهدویت - احادیث.

الف. عنوان. ب. عنوان: نگرشی بر شخصیت امام زمان (عج) از دیدگاه قرآن و سنت

۲۹۷ / ۹۵۹

ب ۷ الف ۲۵ / ۵۱ BP



شناسنامه کتاب

نام کتاب: بقیة الله
مؤلف: امیر حسین اسفندیاری
ناشر: عصر جوان
چاپ: دژ
سال انتشار: ۱۳۸۶
تیراژ: ۳۰۰۰
نوبت چاپ: اول
امور فنی: هوشنگ مرادی پینوندی
قطع و صفحه: ۱۱۲ / رقعی
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

مراکز بخش:

* قم: خ ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۷۶، انتشارات عصر جوان

تلفن: ۷۸۳۲۷۰۷، همراه: ۰۹۱۲۱۵۲۱۵۸۴ (رمضانی)

* اصفهان: خ هاتف، جنب امامزاده اسماعیل، کتابفروشی مهر علی،

محل کار: ۲۲۶۳۵۰۳، ۲۲۶۳۵۰۴، همراه: ۰۹۱۳۳۰۹۴۰۸۵

فهرست

- فصل اول:** ۱۷
ولادت باسعادت حضرت مهدی علیه السلام و احوال مادر بزرگوارشان
- فصل دوم:** ۳۱
در بیان نام‌ها و لقب‌ها و کنیه‌های حضرت مهدی علیه السلام
- فصل سوم:** ۳۷
در بیان آیاتی که به وجود حضرت تأویل و تفسیر شده است
- فصل چهارم:** ۶۱
اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است
- فصل پنجم:** ۶۷
اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده است
- فصل ششم:** ۷۱
اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام وارد شده است.
- فصل هفتم:** ۷۵
اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام علی بن الحسین علیه السلام وارد شده است
- فصل هشتم:** ۷۷
اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام باقر علیه السلام وارد شده است
- فصل نهم:** ۸۱

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام صادق علیه السلام وارد شده است.

۸۵ **فصل دهم:**

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام کاظم علیه السلام وارد شده است.

۸۹ **فصل یازدهم:**

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام رضا علیه السلام وارد شده است

۹۱ **فصل دوازدهم:**

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام محمدتقی علیه السلام وارد شده است

۹۵ **فصل سیزدهم:**

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام هادی علیه السلام وارد شده است

۹۷ **فصل چهاردهم:**

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده است

۱۰۱ **فصل پانزدهم:**

خورشید پنهان

۱۱۲ **منابع و مأخذ**

مقدمه حضرت آیت الله حاج سید جواد میر عظیمی

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس مخصوص خداوند یگانه و یکتاست که خالق هستی بخش جهان و مخلوقات آن است و نعمت های بی پایانش همه جا رسیده و بر سر همه سایه افکنده و پیامبران و رسولان هدایت را برای رسیدن به کمال و سعادت واقعی بر بندگانش ارزانی داشته و ما را افتخار بخشیده تا امت خاتم انبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله باشیم و راه و سیرت آن بزرگوار و سنت خیر ایشان را بپیماییم پس صلوات و سلام خداوند بر پیامبر عظیم الشأن اسلام و ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) باد که راه سعادت و نعمت ارزشمند الهی می باشند. اما بعد، آنچه که ما را بر این داشت تا این مجموعه را فراهم سازیم و تقدیم بر پویندگان طریق هدایت و حقیقت کنیم این می باشد که دوران کنونی حیات بشری مصادف شده با غیبت خاتم اوصیاء و تنها ذخیره باقی مانده الهی بر روی زمین حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه) و این سخت ترین دوران تاریخ زندگی معنوی و الهی انسان می باشد زیرا دستان ما از دامان آن وجود نازنین کوتاه بوده و

چشمان گنهکارمان توفیق دیدار جمال نورانی آن بزرگوار را نداشته است.

لذا این وظیفه ایجاب می‌کند که در هزاره سوم و قرن کنونی یاد آن بزرگوار بیش از پیش بیشتر باشد و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور آن حضرت دو چندان شود.

و هدف بررسی شخصیت آن امام همام از دیدگاه کلام الهی و روایات ائمه معصومین می‌باشد که در این مجموعه جمع‌آوری شده است.

امیدوارم خداوند متعال از ما قبول فرماید و ما بندگان گنهکارش را با تعجیل در فرج امام زمان (سلام الله علیه) مورد لطف و عنایتش قرار داده و همه ما را از سربازان و شیعیان آن بزرگوار قرار دهد.

ان شاء الله

سید جواد میرعظیمی مراغه‌ای

قم - ۱۴۲۷ (هق)

به عنوان پیشگفتار

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«يا صاحب الزمان ادرکنا»

در این پیشگفتار بر آن بودم به کوتاه سخن در رابطه با امام دوازدهم، حجة الله على عباده، بقية في بلاده، كاشف الأحران، خليفة الرحمن، حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان (صلوات الله عليه و على آباءه مادامت السماوات و الارض و كرا العرش) به قلم پردازی و بیان فضائل و کمالات آن حضرت پردازیم. ولی هر چه فکر کردم خود را کمتر و ناچیزتر از آن دیدم که به این اقیانوس پهناور پاکی و فضائل درآیم. زیرا ابزار شایسته ای در خور این اقیانوس پیمائی در خود ندیدم و گفتم کجا با نداشتن وسائل و قابلیت و آمادگی،

می‌توان به این دریای ژرف قدم نهاد؟

کجا طایر بال و پر شکسته تو، می‌تواند بر بلندای افکار آسمانی و ملکوتی طهارت و قداست و عصمت این امام همام به پرواز درآید؟ کجا با این ثمن بخش و بضاعت مُزجات، می‌توان در صف خریداران یوسف اسلام خود را به بازار آن حضرت عرضه کرد؟ مگر آنکه بعنوان سیاهی لشگر و در صف خریداران ایشان، بشمار آمدن باشد و اصولاً گفته‌اند مُعَرَّف باید از مُعَرَّف أَجَلی باشد.

بر همین اساس، در شناسایی و معرفی این بزرگوار، از آیات نورانی قرآن کریم و از سخنان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بهره جستیم و از دریچه فکر و بیانات این پاک‌اندیشان در بازگو کردن فشرده‌ای از ابعاد وجود مقدس امام زمان (سلام الله علیه) بهره گرفتیم.

يَا بَنَ الْحَسَنِ رُوحِي فِداك

مستی تَراننا و نَرینک

چه روزها که یک به یک غروب شد نیامدی

چه اشکها که در گلو رسوب شد نیامدی

خلیل آتشین سخن تبر به دوش و بت شکن

خدای ما دوباره سنگ و چوب شد نیامدی

تمام طول هفته را در انتظار جمعه‌ام

دوباره صبح، ظهر، نه غروب شد نیامدی

امیدوارم خداوند متعال از بذل و عنایت خودش بر ما بندگان
گنهکارش منت گذارد و پرده غیبت را از وجود مقدس امام
عصر (سلام الله علیه) کنار زده و آن بزرگوار را برای نجات بشریت
بفرستد و واژه انتظار را از میان شیعیان و عاشقان آن امام همام بردارند
و بر این مظلومیت پایان دهند و ما را از جمله عاشقان و عارفان و
دلسوختگان و نوکران و شیفتگان و شیعیان واقعی ایشان قرار دهند و
دولت حق را در جهان پایدار گردانند.

ان شاء الله

والسلام علیکم ورحمة الله

امیرحسین اسفندیاری - قم - شعبان ۱۴۲۷

فرازهایی از دعای شریف ندبه:

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ
بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ أَيْنَ الشُّمُوسِ
الطَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الضَّاهِرَةِ، أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ
الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمَعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ
الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَ
الْعُدْوَانِ أَيْنَ الْمُدَّخِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ
وَالشَّرِيفَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ
أَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُعْتَمِدِينَ أَيْنَ هَادِمِ أْبْنَعَةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدِ
أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ أَيْنَ
طَامِسِ آثَارِ الذَّنْبِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدِ
الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعْرِزِ
الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي
مِنْهُ يُوتَى أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءِ، أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ
الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفِ
شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُخُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ
الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى،
أَيْنَ الْمُضْطَرِّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعِيَ أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيْنَ
ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنِ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ
الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَفَاءِ وَالْحِمَى.

فصل اول:

ولادت باسعادت حضرت مهدی (سلام الله علیه)

و احوال مادر بزرگوارشان

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله الذي وصل لعبادة القول بامام بعد امام لعلهم يتذكرون،
واكمل الدين بامنائه و حججه في كل دهر و زمان لقوم يؤقنون، و
الصلاة و السلام على من بشر به و بأوصيائه النبيون و المرسلون محمد
سيد الوري و آله مصاييح الدجى الى يوم يبعثون و لعنة الله على
اعدائهم مادامت السموات و الأرضون»

كليني در كتاب «كافي» نقل نموده كه: ولادت آن حضرت در نيمة

شعبان سال دويست و پنجاه و پنج هجرت بوده^۱

شيخ صدوق در كتاب «كمال الدين» از ابن عصام، او از كليني، او از

علان رازي روايت کرده، گفته است كه: خبر داد به من بعض اصحاب

ماكه، در وقتي كه حامله شد كنيز امام حسن عسگري (سلام الله عليه)

آن حضرت به او فرمودند كه: «حمل تو پسر است و نام او محمد و

اوست قائم بعد از من»^۲

۱. كافي، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲. كمال الدين، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۴.

و در کتاب مذکور، از ابن ولید، او از محمد عطار، او از حسین بن رزق الله، او از موسی بن محمد بن قاسم بن حمزة بن موسی بن جعفر روایت نموده که: خبر داد به من حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام که امام حسن عسگری کسی را پیش من فرستاد که، «افطار روزه را امشب در پیش ما بکن که امشب نیمه شعبان است. خدای تعالی در این شب به زودی حجت خود را ظاهر خواهد گردانید و اوست حجت خدا در روی زمین»

حکیمه گوید که: من گفتم به او که کیست مادر او؟ فرمود: «نرجس» عرض کردم: فدای تو شوم، در نرجس اثر حمل نیست؟! فرمود: «امر چنین است که می‌گوییم»

حکیمه گوید که: من سلام کردم و نشستم، نرجس خاتون آمد و پاکش از پای من بیرون می‌کرد به من گفت: ای سیده من! به چه حال شب کردی؟ گفتم: بلکه تو سیده من و سیده اهل منی، پس نرجس خاتون این سخن مرا انکار کرده و گفت: این چیست که می‌فرمایی ای عمه؟!

حکیمه گوید که: من گفتم: ای دختر من! در این شب به زودی خدای تعالی خواهد داد به تو جوانی را که در دنیا و آخرت بزرگ است، پس نرجس از حیا در جای نشست.

زمانی که از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و خوابیدم و در نصف

شب بیدار شدم و نماز شب را ادا کردم در حالتی که نرجس در خواب بود و اثر ولادت در او نبود، بعد از اتمام تعقیب نماز خوابیدم. بعد از آن به اضطراب بیدار شدم، پس بعد از بیدار شدن من نرجس بیدار شد و نماز کرد. در آن حال به دلم پاره‌ای شک عارض گردید، ناگاه امام حسن عسگری علیه السلام از مجلس خود مرا صدا نمود که: «یا عمّه! تعجیل مکن که امر ولادت نزدیک شد.»

حکیمه گوید که: سوره آلم سجده و یس را می‌خواندم، ناگاه نرجس از خواب با اضطراب بیدار شد. پس برخاستم و گفتم که: اسم الله علیک، آیا در خود چیزی می‌یابی؟ گفت: بلی، گفتم که: به قلب خود آرام ده که این همان حال ولادت است که به تو گفتم.

حکیمه گوید: مرا و نرجس را زمانی خواب گرفت. پس به سبب حرکت آن مولود بیدار شدم و جامه از روی او برداشتم. ناگاه دیدم که به اعضای هفت‌گانه سجده می‌کند، پس او را برداشتم و بر سینه خود چسبانیدم دیدم از آرایش ولادت پاک و پاکیزه است.

پس امام حسن عسگری (سلام الله علیه) مرا صدا نمود که: «ای عمّه! پسر مرا به نزد من آر» پس آن مولود را به نزد وی بردم، آن حضرت دستهای خود را به زیر رانها و پشت او کرد و پاهای او را به سینه خود گذاشت و زبان خود را به دهان وی داد و دست خود را بر چشم و گوش و بندهای او کشید و فرمود: «ای پسر من! سخن بگو»

پس آن مولود فرمود: «اشهد ان لا إله إلا الله وحده لا شريك له و
اشهد ان محمداً رسول الله» بعد از آن صلوات به امیرالمؤمنین و سایر
ائمہ واحداً بعد واحد، تا امام حسن عسگری (سلام الله عليه)
فرستاد، بعد از آن، آن حضرت فرمود که: «ای عمه! ببر او را به نزد
مادرش تا بر او سلام کند، بعد از آن باز به نزد من آر» پس او را بردم به
مادرش سلام کرد، پس برگردانیدم به نزد پدرش. آن حضرت فرمود
که: «یا عمه! در روز هفتم ولادت او را نزد من آر.»

حکیمه گوید که: در صبح شب ولادت رفتم در خدمت آن
حضرت، او را ندیدم، گفتم که: فدای تو شوم چه شد سید من؟! فرمود
که: «سپردم او را به کسی که حضرت موسی را مادرش به او سپرد»
حکیمه گوید که: در هفتمین روز ولادت به خدمت آن حضرت رفتم و
سلام کردم و نشستم. فرمود که: «بیار پسر مرا به من ده»، پس قنذاقه او
را به ایشان دادم. پس آن حضرت کرد به ایشان چیزی را که در شب
ولادت کرده بود، زبان خود را به دهان او داد گویا که او را شیر یا غسل
می دهد بعد از آن فرمود که: «ای پسر من! سخن بگو»

فرمود: «اشهد ان لا إله إلا الله و صلوات بر پیامبر و امیرالمؤمنین و
سایر ائمہ (سلام الله عليهم) تا پدر بزرگوارش فرستاد و این آیه شریفه
را تلاوت نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«و نریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ ائِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱

موسی بن جعفر راوی این حدیث گوید که: این حدیث را از عقبه خدمتکار امام حسن عسگری (سلام الله علیه) پرسیدم، او گفت: حکیمه راست گفته است.^۲

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» از جعفر بن محمد بن مسرور، او از حسین بن محمد بن عامر، او از معلی بن محمد روایت کرده، او گفته که: امام حسن عسگری (سلام الله علیه) در وقتیکه زبیری کشته شد، فرمود که: «این است جزای کسیکه به خدای تعالی در خصوص اولیای او افترا بگوید، او گمان کرده بود که مرا می کشد و مرا بعد از من خلفی باقی نمی ماند آیا چطور دید قدرت خدا را؟» و او را پسری شد و نام او را «م ح م د» گذاشت در وقتی که از هجرت دو بیست و پنجاه و شش سال گذشته بود.^۳

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» از کلینی، او از حسین بن محمد، او از معلی، او از احمد بن محمد مثل این حدیث را روایت نموده.^۴

۱. سوره قصص، آیه ۵

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۴ - حدیث ۱.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۰ - حدیث ۳.

۴. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۳۱، حدیث ۱۹۸ اثبات ولادة صاحب.

شیخ صدوق در «کمال‌الدین» از ابن عصام، او از کلینی، او از علی بن محمد روایت کرده که: ولادت موفور السعادة صاحب (سلام الله علیه) در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج بوده.^۱

شیخ صدوق در «کمال‌الدین» از ماجیلویه و ابن متوکل و عطار ایشان از اسحاق بن ریاح بصری، او از ابی جعفر عمروی روایت نموده او گفته که: بعد از ولادت باسعادت صاحب (سلام الله علیه) امام حسن عسگری (سلام الله علیه) ابو عمرو را احضار نمود و فرمود که: «ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر به خلائق قسمت بکن که بر من محسوب است» علی بن هاشم گفته است که: فلان قدر گوسفند عقیقه نمود.^۲

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» از جماعتی، ایشان از ابی مفضل شیبانی، او از محمد بن بحر بن سهل شیبانی روایت کرده که: بشر بن سلیمان نخاس که از اولاد ابوایوب انصاری است وی یکی از دوستان امام علی النقی (سلام الله علیه) و امام حسن عسگری (سلام الله علیه) بود، در سرّ من رأی، نقل نمود که کافور خادم نزد من آمد و گفت: امام علی النقی (سلام الله علیه) تو را می‌طلبد، پس به خدمت آن حضرت رفتم و نشستم به من فرمود که: «یا بشر! تو از اولاد انصاری، دوستی ما همیشه در دلهای شما بوده که آن را خلف از

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۳۰، حدیث ۴.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۳۰، حدیث ۶.

سلف می‌برند، شما موثّقین اهل بیت هستید، بدرستی که تو را صاحب شرافت می‌کنم به فضیلتی که احدی از شیعه در مقام دوستی سبقت به آن نکرده و تو را مطلع به سرّی می‌گردانم و به جهت خریدن کنیزی می‌فرستم.»

پس آن حضرت مکتوبی در غایت لطافت با خطّ رومی تحریر فرمودند و مهر شریف خود را بر آن زدند و همیان زردی بیرون نمودند که دوپست و بیست دینار در آن بود. پس فرمود که: «این را بگیر، به بغداد رو در فلان وقت ضحی حاضر معبر فرات شو. پس زمانی که کشتیهای اسیران به نزد تو می‌رسند و می‌بینی کنیزها را در کشتیها، آن وقت می‌بینی که اکثر مشتریها از وکلای بنی عباسند و جمع قلیلی از جوانان عرب، وقتیکه این را دیدی، در همه آن روز از جای دور مراقب کسی باش از اصحاب کشتیها که عمر بن یزید نخاس نام دارد، تا وقتیکه او نشان می‌دهد به مشتریها جاریه‌ای را که صفت او چنان و چنین است و دو حریر پوشیده، از دیدن و دست مالیدن مشتریها ابا می‌کند و می‌شنوی صدای بلند رومی از پس ستر نازکی، پس بدان که او چنین می‌گوید که: وای بر هتک آبروی من.

پس آن وقت بعضی از مشتریها می‌گویند که: عفت این کنیز رغبت مرا در خریدن وی زیاد کرد. این را به سیصد دینار به من بفروشید. پس آن کنیز می‌گوید که: اگر تو درزی سلیمان بن داود و حشمت و دبدبه

او ظاهر شوی، مرا در تو رغبتی نمی‌باشد، پس بترس از تلف مال خود. آن وقت نخاس می‌گوید که: حيله و چاره چیست و حال آنکه لابد هستم در فروختن تو؟

پس کنیز می‌گوید: که این تعجیل چیست و حال آنکه من باید مشتری را اختیار نمایم که دلم به امانت و وفای وی اطمینان داشته باشد!

پس در این وقت یا بشر! برو نزد عمر بن یزید نخاس و بگو به او که: در نزد من، مکتوبی با خط و لغت رومیّه هست که بعضی اشراف نوشته و کرم و وفا و سخای خود را در آن وصف کرده، آن مکتوب را به آن کنیز ده. در او تأمل نماید و اخلاق صاحب او را ببیند. اگر به او میل کرد و به او راضی شد، من وکیل اویم در خریدن آن کنیز.

بشر بن سلیمان گوید که: هر چه که مولای من فرموده بود به عمل آوردم. پس وقتی که به مکتوب آن حضرت نظر نمود، گریه شدید اختیار از وی ربود و به عمر بن یزید گفت که: مرا به صاحب این مکتوب بفروش، و سوگند یاد نمود که اگر او را به صاحب مکتوب نفروشد خود را هلاک نماید. پس من در تعیین قیمتی با عمر بن یزید گفتگو کردم تا رای هر دو به دویست و بیست دینار که مولای من به من داده بود قرار گرفت. پس ثمن را به او تسلیم نموده جاریه را در حالتی که خندان و شادان بود قبض نمودم و به حجره خود آوردم.

از کثرت بی‌قراری مکتوب امام علی‌النقی (سلام الله علیه) را از جیبش درآورده می‌بوسید و بر چشم و مژگان می‌گذاشتند و بر رو و بدنش می‌مالید. پس گفتم که: از تو تعجب دارم زیرا که می‌بوسی مکتوبی را که صاحب آنرا نمی‌شناسی!

گفت که: ای عاجز و ضعیف معرفت به مرتبه اولاد انبیاء دلت را از شکوک خالی گردان، من ملیکه دختریشوعا، پسر قیصر روم و مادرم از اولاد حواریین است، نسبش به شمعون وصی حضرت عیسی (سلام الله علیه) می‌رسد. خبر بدهم تو را قصه عجیبه خود را، به درستی که جد من قیصر اراده نمود که مرا به پسر برادرش تزویج نماید و من در حد سیزده سالگی بودم. پس در قصر خود جمع نمود از قسیس و رهبان سیصد نفر مرد و از اشراف هفتصد نفر، و از امرا و نقبای لشکر و ملوک عشایر چهار هزار نفر، و تختی که به اصناف جواهره مکمل و دانه‌نشان بود، در صحن قصر بالای چهل پله نصب نمود، پسر برادرش را روی آن تخت نشانید و بتها را دور آن جمع نمودند و علمای نصارا، با احترام تمام پیش وی ایستادند و اسفار انجیل را وا کردند، ناگاه بتها همه به پایین ریخته و پایه‌های تخت شکسته، پسر برادرش با تخت به زیر افتاد و غش نمود.

پس اکابر و اعیان همه ترسان و لرزان و متغیر الالوان گردیدند. بزرگشان گفت که: ای پادشاه! ما را از ملاقات این نحسها معاف دار که

این گونه احوال دلالت بر زوال و اضمحلال مذهب مسیحی دارد. پس
جدّ من از این احوال متغیّر شده گفت که:

ستونها را اقامه نمایید و بتها را بالای تخت بگذارید این بدبخت
پسر برادرم را به نزد من آرید تا به او تزویج کنم این دختر را، تا
نحوستها از شما رفع شود. زمانیکه مجلس را دوباره آرایش دادند، باز
حادثه اولی رو داد و مردم پراکنده گردیدند و جد من قیصر با هم و غم
برخواست داخل حرم سرا شد.

و در شبی که بعد از آن روز در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح
(سلام الله علیه) با جمعی از حواریین در قصر قیصر در جایی که تخت
نصب نموده بودند، منبری از نور نصب نموده‌اند، در آن حال محمد
ﷺ و وصی او و جمعی از اولاد امجدوی، به قصر داخل شدند. پس
مسیح پیش رفته با محمد ﷺ معانقه کرد.

محمد ﷺ فرمود: یا روح الله! آمده‌ام به خواستگاری ملیکه دختر
وصی تو شمعون برای پسر من، و اشاره به امام حسن عسگری (سلام
الله علیه) نمود. پس حضرت مسیح به شمعون نگاه کرد و فرمود که:
ترا عزّ و شرف رسید، رحم خود را به رحم آل محمد ﷺ وصل کن.
شمعون گفت که: کردم. پس همگی به بالای منبر آمدند، محمد ﷺ
خطبه‌ای ادا فرمود و مرا به پسرش عقد نمود. محمد ﷺ و اولاد
امجاد او و حواریین به اجرای عقد شاهد شدند.

پس وقتی که بیدار شدم ترسیدم و حکایت رؤیا را اظهار نکردم که مبادا پدرم و برادرم مرا بکشند این سر را مخفی می‌داشتم و افشا نمی‌کردم تا اینکه محبت امام حسن عسگری (سلام الله علیه) در سینه من جاگرفت و مرا از طعام و شراب باز داشت. پس بدنم لاغر شد و به شدت مرض و رنجوری مبتلا گردیدم و در شهرها طبیبی نماند مگر اینکه پدرم احضار نمود و از مداوای من سوال کرد و معالجه نشد.

وقتی که پدرم مایوس شد، به من گفت که: ای نور دیده! آیا به دلت هیچ خواهش می‌گذرد تا من آنرا مهیا سازم؟ گفتم که: درهای فرج بر روی من بسته شده اگر اسرای مسلمین را از زندان بیرون کنی امید هست که مسیح و مادرش مرا عافیت دهند. پس پدرم خواهش مرا به عمل آورده، من زیرکی نموده اظهار صحت کردم و قلیلی از طعام و شراب خوردم و آشامیدم. پس پدرم مسرور شد و به اکرام اسرا مایل گردید. چهارده شب بعد از رؤیای سابقه، در عالم رؤیا نیز دیدم که سیده نساء، فاطمه زهرا علیها السلام با حضرت مریم علیها السلام و هزار نفر از حوریان جنان به زیارت من آمدند. حضرت مریم علیها السلام به من گفت: «این است سیده نساء، مادر شوهرت، پس من دامن ایشان را گرفته می‌گریستم و از نیامدن امام حسن عسگری (سلام الله علیه) به زیارت من شکایت می‌کردم.

پس حضرت فاطمه عليها السلام فرمودند که: «امام حسن عسگری (سلام الله عليه) تو را زیارت نمی کند زیرا که مشرک و در مذهب نصارا هستی و این خواهر من مریم است که از طریقه مسیحی تبری می کند، اگر به رضای الهی و رضای مسیح و مریم و زیارت امام حسن عسگری (سلام الله عليه) میل داری بگو «اشهد ان لا اله الا الله و ان ابي محمداً رسول الله!» پس وقتیکه کلمه طیبه به زبان جاری نمودم، مرا به سینه خود چسباند و فرمود که: «حالا منتظر زیارت امام حسن عسگری (سلام الله عليه) باش. من او را به نزد تو می فرستم».

پس از خواب بیدار شدم در حالتیکه می گفتم: «واشوقاه الی لقیأ ابی محمداً» بعد از آن به زیارت من آمد، پس به او گفتم که: چرا بر من جفا کردی ای حبیب من و حال آن که صفحه دلم را از محبت خود پر کرده ای؟! وی را در شب آینده باز دیدم و عرض کردم که: چرا بر من جفا می کنی و حال آنکه نفس خود را در محبت تلف کردم؟! فرمودند: تأخیر آمدنم شرک تو بود، حالا که اسلام قبول کردی، در همه شب به زیارتت می آیم. پس از آن وقت تا حال ترک زیارت من نکرده اند.

بشر گوید که: من به ایشان گفتم که: چطور در میان اسرا افتادی؟ ایشان فرمودند: خبر داد به من امام حسن عسگری (سلام الله عليه) در شبی از شبها که جدت قیصر در فلان روز لشکر به قتال مسلمین می فرستد، تغییر صورت نموده به ایشان ملحق شو و چند نفر کنیز با

خود بردار. پس به فرموده ایشان عمل نمودم ناگاه قراولان مسلمین به ما برخوردند و ما را گرفتند و امر من به این نهج شد که می بینی، و کسی ندانست که من دختر ملک روم مگر تو و شیخی که در قسمت غنیمت به سهم وی افتادم، از نام من پرسید، نامم را انکار نمودم و گفتم: نرجس. گفت: تعجب دارم اینکه رومیه و زیانت عربی است، گفتم: پدرم به تعلم آداب حریص بود. زنی را که در اختلاف السنه مهارت داشت موکل نمود که صبح و شام به من عربی یاد دهد، تا اینکه یاد گرفتم.

بشر گوید: وقتی که ایشان را به سر من رأی آوردم به خدمت امام علی النقی (سلام الله علیه) مشرف شدم. آن حضرت به ایشان فرمود که: «چطور دیدی عزت اسلام و ذلت نصرانیت را؟ آن حضرت فرمودند که: «می خواهم تو را اکرام نمایم، آیا ده هزار دینار به تو عطا نمایم یا به مژده دلت را شاد سازم»، نرجس خاتون عرض کردند که: مژده می خواهم.

آن حضرت فرمودند: «تو را پسری متولد می شود که شرق و غرب عالم را می گیرد و زمین را پر از عدل و قسط می کند چنانچه پر از ظلم و جور گردیده» نرجس عرض کرد: از کدام شوهر خواهد شد؟ حضرت فرمود: «از کسی که حضرت محمد ﷺ ترا در فلان شب و فلان ماه و فلان سال به او خواستگاری نمودند» آن حضرت از او پرسید که:

«حضرت مسیح علیه السلام و وصی او ترا به که تزویج نمودند؟» نرجس خاتون عرض کردند: به پسر امام حسن عسگری (سلام الله علیه) حضرت فرمودند: آیا می شناسی؟ عرض کرد: از وقتیکه در دست سیده نساء به شرف اسلام مشرف شده ام، شبی نگذشته که او به زیارت من نیامده باشد.

بشر گوید که آن حضرت فرمود: «یا کافورا! خواهرم حکیمه را نزد من آر» پس حکیمه خاتون آمد. آن حضرت فرمود که: این همان است که گفته بودم. پس حکیمه خاتون با او معانقه نمودند. آن حضرت به او فرمود: «یا بنت رسول الله! نرجس را ببر و او را فرایض و سنن یاد ده که این زن امام حسن عسگری (سلام الله علیه) و مادر قائم (سلام الله علیه) می باشد»^۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله عبداً داخراً غیر مستنکف و لا مستکبر»

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۰۸، حدیث ۱۷۸ - معجزات امام حسن عسگری (سلام الله علیه).

فصل دوم:

در بیان نامها و لقبها و

کنیه‌های حضرت مهدی علیه السلام

در کتاب «علل الشرایع» از دقاق ابن عصام ایشان از کلینی، او از قاسم بن علا، او از اسماعیل فزاری، او از محمد بن جمهور اعمی، او از ابن ابی بخران، او از کسی که او را ذکر کرده، او از شمالی، او گفته: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم که: یا بن رسول الله! آیا همه شماها قائم به حق نیستید؟ حضرت فرمودند: بلی، عرض کردم: پس چرا قائم علیه السلام تنها به قائم نامیده شده‌اند؟! حضرت فرمودند: «زمانیکه جدم حسین علیه السلام مقتول گردید، ملائکه با گریه و نحیب به پروردگار خود عرض کردند: آیا غافل باشیم از کسانی که صفی تو را کشتند؟ خدای تعالی وحی فرمودند: ای ملائکه من! آرام بگیرید، قسم به عزت و جلال خودم یاد می‌کنم هر آینه البته از ایشان انتقام خواهم گرفت هر چند که بعد از زمانی باشد. بعد از آن خدای تعالی برای ملائکه از ائمه علیهم السلام که از ذریه حسین اند پرده برداشت، ملائکه مشاهده نموده مسرور شدند. ناگاه یکی از ائمه در آن حال ایستاده نماز می‌کرد خدای تعالی فرمود: هر آینه با این قائم علیه السلام انتقام خواهم کشید.»^۱

در کتاب «علل الشرایع» شیخ صدوقی از پدرش، او از سعد، او از

۱. علل الشرایع، ص ۱۶۰، باب ۱۲۹، حدیث ۱.

حسن بن علی کوفی، او از عبدالله بن مغیره، او از سفیان بن عبدالمومن انصاری، او از عمر بن شمر، او از جابر روایت کرده، او گفته: نزد ابی جعفر علیه السلام مردی آمد و من حاضر بودم آن مرد عرض کرد: این یکصد درهم را بگیر و به اهل استحقاق برسانید. آن حضرت فرمود: «تو بگیر و به همسایگان و یتیمان و مساکین قسمت کن. وجوب ردّ خمس به امام در وقت قیام قائم علیه السلام ما خواهد شد و او اینگونه وجوهات را بالتسویه قسمت خواهد کرد و عدالت مابین فاجر و نیکوکار خواهد نمود، هر که اطاعت او را کند اطاعت خدا کرده و هر که مخالفت او نماید مخالفت خدا کرده. او را مهدی گویند: زیرا که به امر پنهان هدایت و راه یافته می شود تورات و سایر کتب خدا را در انطاکیه از غاری بیرون خواهد آورد، پس حکم می کند مابین اهل تورات با تورات و میان اهل انجیل با انجیل و میان اهل زبور با زبور و میان اهل قرآن با قرآن و اموال اهل دنیا و چیزهایی که در زیر زمین و روی زمین است نزد او جمع می شود. به مردم می گویند: بیایید به سمت اموالی که برای آنها قطع صلّه رحم و خونریزی نموده و مرتکب محرمات شده اید و به او ریاستی و حکمی داده می شود که به احدی پیشتر از او داده نشده»

جناب پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «قائم علیه السلام مردی است از اولاد من، نام او نام من است، خدا حرمت مرا در حق او مراعات می فرماید (یعنی او را حفظ و اعانت می فرماید) و عمل به سنت من می نماید، زمین را پر از عدل و نور می گرداند بعد از آنکه پر از ظلم و جور و بدی

گردیده.»^۱

شیخ صدوق در «معانی الاخبار» ذکر کرده «قائم علیه السلام را قائم می‌گویند بدین سبب که بعد از موت ذکرش، قیام خواهد کرد.»^۲

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از ابن عبدوس، او از ابن قتیبه، او از حمدان بن سلیمان، او از صقر بن دلف روایت کرده، او گفته: از امام محمدتقی علیه السلام شنیدم حضرت فرمود:

«امام بعد از من پسر من علی می‌باشد، قول او قول من است و اطاعت او اطاعت من، و امامت بعد از او در پسرش حسن است. امر او امر پدرش و قولش قول پدرش و اطاعتش اطاعت پدرش» بعد از آن ساکت شد.

گفتم: یا بن رسول الله! بعد از امام حسن علیه السلام امام کیست؟ آن حضرت گریه کرد، گریه شدیدی و فرمود: «بعد از حسن پسرش قائم به حق است و منتظر» عرض کردم: یا بن رسول الله! چرا قائم می‌گویند؟ فرمود: «زیرا که بعد از موت ذکرش در میان خلق و بعد از ارتداد اکثر کسانی که قایل به امامت او بودند، برمی‌خیزد» من عرض کردم که: منتظر به چه جهت می‌گویند؟ فرمود: «از این جهت می‌گویند که او را غیبت طولانی می‌شود و مخلصین انتظار خروج او را می‌کشند و شکاکین انکار می‌کنند و منکرین استهزا می‌نمایند. کسانی که تعیین وقت خروج می‌کنند دروغ‌گویانند، استعجال‌کنندگان به خروج او

۱. علل الشرایع، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹، حدیث ۳.

۲. معانی الاخبار، ص ۶۵، حدیث ۱۷، معانی اسماء الائمه علیهم السلام.

هلاک می شوند و آنان که در مقام تسلیمند نجات می یابند.»^۱
 شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» از کلینی، او رفع حدیث به امام
 حسن عسگری علیه السلام نموده آن حضرت فرموده در زمانیکه حجت خدا
 متولد شد فرمود که: «ظالمان گمان داشتند که مرا می کشند و این نسل
 را قطع می کنند، چطور دیدند قدرت خدا را؟» و آن مولود را مؤمل نام
 کرد.^۲

در کتاب مذکور، از فضل، او از موسی بن سوران، او از عبدالله بن
 قاسم خضرمی، او از ابی سعید خراسانی روایت کرده، او گفته: به امام
 جعفر علیه السلام عرض کردم: مهدی و قائم هر دو یکی هستند؟ فرمود: بلی
 عرض کردم به چه سبب مهدی نام شده؟ فرمود: «زیرا که راه نموده
 می شود به هر امر مخفی و قائم می گویند بدین سبب که بعد از موت
 ذکرش یا خودش به گمان مردم، قیام می کند با امر عظیم.»^۳

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» از محمد بن عجلان، او از امام جعفر
علیه السلام روایت کرده، آن حضرت فرمود: «زمانیکه قائم علیه السلام قیام نمود،
 مردم را مجدداً به اسلام دعوت می کند و هدایت می نماید ایشان را به
 امر کهنه - یعنی: اسلام - که جمیع خلائق از او گمراه شده اند. و او را
 بدین سبب که بر هر امر گم شده راه می یابد مهدی می گویند و از این
 جهت که به حق قیام می کند قائم می نامند.»^۴

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸ - حدیث ۳ ما اخبر به الجواد علیه السلام.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۲۳ - حدیث ۱۸۶، ص ۲۳۱، حدیث ۱۹۷.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۴۷۱، حدیث ۴۸۹، بعض صفاته علیه السلام.

۴. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۶۴، فصل فی سیرته.

فرات بن ابراهیم در کتاب «تفسیر» از جعفر بن محمد بن فزاری، او سند را به امام صادق علیه السلام رسانیده، ایشان در خصوص قول خدای تعالی «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا» فرمود که: «مظلوم عبارت از امام حسین علیه السلام» «فَلَا يُشْرِفُ فِي الْقَتْلِ اِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۱ پروردگار عالم مهدی را منصور نامید چنان که احمد و محمد و محمود نامید، و چنان که عیسی را مسیح نام کرد.^۲ علی بن عیسی در «کشف الغمّة» آورده که: ابن خشاب گفت که: خبر داد به من محمد بن موسی طوسی از عبدالله بن محمد، او از قاسم بن عدی، او گفته: کنیه خلف صالح ابوالقاسم است و او صاحب دو نام است.^۳

«اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ»

۱. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۲. تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۲۴۰، در تفسیر سوره بنی اسرائیل.

۳. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۵، فیما روی فی امر المهدی علیه السلام.

فصل سوم:

در بیان آیاتی که به وجود حضرت

تاویل و تفسیر شده است

به طور قطع قرآن کریم از جانب خداوند متعال برای هدایت بشر به راه بندگی و سعادت دنیوی و اخروی انسان فرستاده شده است اما این آیات نیاز به تفسیر بیشتر برای فهم حقایق داشته و ظاهر آیات و باطن آنها را جزء مفسران اصلی قرآن که همان پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه هدی (صلوات الله علیهم اجمعین) نمی توانند بیان کنند.

(لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)

آنچه که در این فصل ذکر شده است آیاتی از قرآن کریم می باشد به صورت موجز و انتخابی در مورد وجود مقدس حضرت حجت علیه السلام که تاویل و تفسیر به آن بزرگوار شده است.

(به تفضیل و به ترتیب سوره ها)

از سوره بقره نازل شده است:

۱- «الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتِبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِالْغَيْبِ»^۱

در کتاب «کمال الدین» از دقاق، او از اسدی، او از نخعی، او از نوفلی، او از علی بن ابی حمزه، او از یحیی بن ابی قاسم روایت کرده، او گفته که از امام صادق علیه السلام پرسیدم، آن حضرت فرمودند که: «مراد از متقین شیعیان علی علیه السلام است و مراد از غیب حجت غایبه است و شاهد این مدعی قول خدای تعالی است. «لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِّن رَّبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»

۲- «وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»^۱

مفضل بن عمرو می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم آن کلمات که (خدا ابراهیم را با آن آزمود) چه بود؟

حضرت فرمود که «همان کلمات بود که حضرت آدم از پروردگارش دریافت و خدا «بواسطه آنها» بر او توبه نمود و آن این بود که: «از توبه حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (صلوات الله علیهم) درخواست می کنم که بر من توبه فرمایی»

پرسیدم که ای پسر رسول خدا پس معنای «فاتمهن» چیست؟
فرمود:

«یعنی آن اسامی را تا نام قائم کامل نمود»

۳- «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِي بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۲

راوی می گوید از ابی الحسن علیه السلام از معنی آیه سؤال کردم فرمودند:

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

«به خدا قسم آن است که وقتی قائم ما قیام کند خداوند شیعیان ما را از تمامی نقاط در کنار او گرد می آورد.»

۴- «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: «همانا پیش از قیام قائم علیه السلام بلایا و امتحانات الهی است»

محمد بن مسلم می گوید عرض کردم: آن بلایا کدام است؟ حضرت در پاسخ این آیه را تلاوت نمود: (و هر آینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستی از دارایی ها و جانها تان می آزمائیم و صابران را بشارت ده)

۵- «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۲

محمد بن احمد بن عبیدالله هاشمی می گوید در زمان عبدالله بن زبیر کتابی از زیر زمین کعبه یافت شد که در آن اسامی ائمه دوازده گانه آمده بود تا آنجا که:

«سپس امام منتظر است که نام او نام پیامبر صلی الله علیه و آله است به عدل امر نموده و انجام می دهد و از منکر نهی نموده و دوری می گزیند. خدا بواسطه او ظلم را برافکنده و تردید و کور باطنی را نابود می سازد تا

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۷.

جایی که گرگ و گوسفند در حکومت حضرت در آسایش زندگی می‌کنند و مرغان اهل آسمانها و ماهیان دریاها از او خوشنودند او عجب بنده‌ای است که این چنین مورد کرامت الهی می‌شود. خوشا به حال کسی که از او اطاعت کند و وای بر آن کس که از او نافرمانی نماید. خوشا به حال آن کسی که به امر او به قتال برخاسته و کشته شده یا بکشد.

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»

از سوره آل عمران نازل شده است:

۶- «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن توصیه‌هایشان به کمیل فرمودند:

«هر روز را با نام خدا ابتدا نموده و لاحول و لا قوة الا بالله گفته بر خدا توکل کن و ما را یاد نموده و نام ببر و بر ما درود بفرست و خویشتن را هر چه می‌توانی بر این کار بدار تا ان شاء الله از امور پنهان آنروز در امان بمانی ای کمیل هیچ عملی نیست مگر آنکه من گشاینده آنم و هیچ سری نیست مگر آنکه قائم علیه السلام آنرا به آخر خواهد رسانید. ای کمیل فرزندانسی هستید یکی از نسل دیگری و خدا شنوا و داناست.»

۷- «أَفَغَيْرِ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۱

در کتاب الارشاد شیخ مفید نقل شده است:

هنگامیکه قائم عَلَيْهِ السَّلَام قیام نماید به عدل حکم نموده و در زمان حکومتش جور بر طرف گردیده و راهها امنیت یافته و زمین برکتهايش را خارج ساخته و هر حقی به اهلش بازگشته و اهل هیچ دینی نخواهند ماند مگر آنکه اظهار اسلام نموده و به ایمان معترف می‌گردند آیا سخن خدای سبحان را نشنیده‌ای که می‌فرماید: و برای او هر چه در آسمانها و زمین است از روی اختیار یا اکراه تسلیم گردیده و به سوی او باز خواهید گشت.

۸- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که در معنای آیه فوق فرمودند:

«بر ادای فرائض صبر نموده و یکدیگر را در برابر دشمنان به صبر و ادا داشته و با امام منتظرتان رابطه برقرار نمائید.

از سوره مائده نازل شده است:

۹- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳

۲. سوره آل عمران، ۲۰۰.

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»^۱

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمودند:

همانا برای صاحب این امر (حکومت جهانی الهی) یارانی ذخیره شده که اگر همه مردم هم بروند خداوند آن یاوران را گرد خواهد آورد و هم آنانند که خداوند در موردشان فرموده: «بزودی خداوند گروهی را خواهد آورد که خدایشان دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران پسرصلابت و شکست ناپذیرند»

از سوره انعام نازل شده است:

۱۰- «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ

قَبْلُ»^۲

امام صادق عليه السلام در مورد آیه فوق می فرماید:

«کلمه آیات مورد اشاره در آیه فوق ائمه هستند و آن آیه مورد انتظار، قائم عليه السلام است پس روز آمدن او ایمان آوردن کسی که قبل از قیام او ایمان نیاورده باشد سودی نخواهد داشت اگرچه آن ایمان آورنده به پدران پیشین آن حضرت مومن بوده باشد»

از سوره اعراف نازل شده است:

۱. سوره مائده، ۵۴.

۲. سوره انعام، ۱۵۸.

۱۱- «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: «دولت ما آخرین دولتهاست و هیچ خاندانی که امکان در دست گرفتن دولت را داشته باشند باقی نخواهد ماند مگر آنکه قبل از ما به حکومت می رسند تا آنکه بعد از حکومت ما کسانی ادعا نکنند که اگر ما به حکومت می رسیدیم مثل روش اینها عمل می کردیم و همین است سخن خدای عزوجل که «عاقبت از آن پرهیزگاران است»

از سوره توبه نازل شده است:

۱۲- «وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خروج قائم علیه السلام و دعوت اوست مردم را بسوی خود»

۱۳- «يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَ

لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«آیا وعده این آیه تاکنون محقق شده است؟ هرگز! به خدایی که

جانم در دست اوست به جایی خواهد رسید که هیچ قریه ای باقی

۱. سوره اعراف، ۱۲۸.

۲. سوره توبه، ۳.

۳. سوره توبه، ۳۳.

نماند مگر آنکه در آن، بر شهادت به وحدانیت الهی و رسالت رسول خدا هر صبح و شام ندا برخیزد.

از سوره یونس نازل شده است:

۱۴- «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»^۱

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«چه نیکوست صبر و انتظار فرج، آیا سخن الهی را شنیده‌ای که «مراقب باشید که من هم با شما مراقبم» «پس منتظر باشید که من هم با منتظرانم.»

بر شما باد به صبر چرا که فرج در حال یأس (از امور عادی) فرا می‌رسد.»

۱۵- «يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲

امام حسین علیه السلام فرمودند:

«از ما (اهل بیت) دوازده مهدی (هدایت شده و هدایت کننده) خواهد بود که اول آنان امیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنها نهمین فرزند من است و او آن کسی است که به حق قیام نموده خدا بواسطه‌اش زمین مرده را زنده می‌گرداند.

و با او دین حق را بر همه ادیان غلبه می‌بخشد اگرچه مشرکان را ناپسند آید. برای او غیبتی است که در آن گروه‌های زیادی مرتد شده

۱. سوره یونس، ۲۰.

۲. سوره یونس، ۴۸.

(از حق برمی‌گردند) و گروه‌های دیگری بر دین ثابت خواهند ماند و به آنها گفته می‌شود «این وعده چه زمانی است اگر راست می‌گویید» آگاه باشید کسیکه در زمان غیبت آن امام در برابر اذیتها و تکذیبها صبر ورزد در جایگاه آن کسی است که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا ﷺ به جهاد برخاسته باشد.»

۱۶- «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خوشا به حال شیعیان قائم ما و منتظران ظهورش در زمان غیبت و اطاعت کنندگانش در زمان ظهور، آنانند اولیاء خدا که نه ترس در آنان است و نه اندوهگین گردند»

از سوره هود نازل شده است:

۱۷- «قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أُوَّيُّ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«سخن لوط که به قومش گفت: ای کاش مرا بر شما قوتی بود یا آنکه به تکیه گاهی پناه می‌برم نبود مگر آرزوی توانایی قائم علیه السلام و رکن هم چیزی نبود مگر قدرت یاران آن حضرت هر مرد از آنان توان چهل مرد را داراست و قلب هر یک از آنان همچون یک قطعه آهن است که

۱. سوره یونس، ۶۴-۶۲.

۲. سوره هود، ۸۰.

اگر بر کوهها گذر کنند آنها را از جا می‌کنند.»

۱۸- «بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱

مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد آیا به امام قائم عليه السلام با خطاب امیرالمؤمنین سلام کنیم؟

حضرت فرمودند: «خیر، امیرالمؤمنین اسمی است که خدا حضرت علی عليه السلام را به آن نامیده و قبل و بعد از او کسی جز شخصی که کافر شده باشد به این نام نامیده نشده است. آن مرد پرسید پس به چه خطابی به آن حضرت سلام نمایم. حضرت فرمود: می‌گویی «السلام عليك يا بقية الله» و سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود.
از سوره یوسف نازل شده است:

۱۹- «وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»^۲

امام صادق عليه السلام فرمودند: در قائم این امت چهار سنت از سنت پیامبران خواهد بود: سنتی از موسی «خائفاً يترقب» که ترسان چشم انتظار بود و سنتی از یوسف «يعرفهم و هم له منكرون» که او آنها را می‌شناخت ولی آنها او را نمی‌شناختند و سنتی از عیسی «وما قتلوه و ما صلبوه» که زنده است و هرگز او را نکشته‌اند و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله «يقوم بالسيف» که با نبرد قیام می‌کند.

۱. سوره هود، ۸۶

۲. سوره یوسف، ۵۸

۲۰- «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا»^۱

امام صادق علیه السلام پس از توضیح آنکه وعده حکومت صالحان و آثار آن هنوز محقق نگردیده به عنوان کندی و دور بودن ظهور حضرت قائم علیه السلام این آیه را تلاوت کردند «تا آنکه رسولان مأیوس شده و گمان کردند که به آنها دروغ گفته شده، در آن هنگام یاری ما فرا رسیده»

از سوره رعد نازل شده است:

۲۱- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ»^۲

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا شما قائم به حق هستید؟ حضرت فرمود:

«من هم قائم به حق هستم اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می‌کند و آنرا آنچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد لبریز می‌سازد او پنجمین فرزندان من است که غیبتی خواهد داشت که بدلیل ترس از جانش طولانی خواهد شد در آن زمان گروه‌های زیادی از دین برگشتند و گروهی دیگر بر آن ثابت می‌مانند خوشا به حال شیعیان ما آنان که در زمان غیبت قائم علیه السلام به ریسمان ما آویخته بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما استوار بمانند آنها از ما و ما از آنهاستیم آنها به امامت ما خوشنود و ما نیز به شیفتگی آنها خوشنودیم.

۱. سوره یوسف، ۱۱۰.

۲. سوره رعد، ۲۹.

پس خوشا بر حال آنها و باز هم خوشا بر آنها به خدا قسم آنها در روز قیامت در درجه ما خواهند بود.»

از سوره ابراهیم نازل شده است:

۲۲- «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«ایام الله سه روزند: روز قیام قائم علیه السلام - روز بازگشت - روز قیامت»

از سوره حجر نازل شده است:

۲۳- «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که قائم آل پیامبر قیام کند در بین مردم مانند حضرت داود حکم می‌کند و در قضاوت نیازی به بیّنه و شاهد ندارد خدا به او الهام می‌کند و او به علم خویش حکومت می‌نماید هر گروهی را به آنچه مخفی می‌کند خبر می‌دهد و دوست و دشمن خویش را از طریق «توسم» می‌شناسد خدای متعال می‌فرماید: «همانا در این امور نشانه‌هایی برای اهل توسم وجود دارد.»

از سوره اسراء نازل شده است:

۲۴- «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ

۱. سوره ابراهیم، ۵.

۲. سوره حجر، ۷۵.

شَدِيدٍ»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که در بیان تأویل آیه فوق فرمودند: (دو فساد مورد اشاره در آیه) قتل امیر مؤمنان و زخمی شدن حسن بن علی علیه السلام بود و منظور از «و هر آینه طغیانی بزرگ مرتکب خواهید شد» قتل امام حسین علیه السلام است. «پس هنگامیکه وعده اول آنها برسد.» یعنی هنگامیکه زمان پیروزی حسین علیه السلام شود. «برمی انگیزیم بر سرتان بندگانمان را که پرتوان گوشه و کنار هر دیناری را پی جویی کنند» آنها گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم علیه السلام برمی انگیزاند که هیچ امرها شده‌ای از آل محمد صلی الله علیه و آله را نمی گذارند مگر آنکه آنرا در خواهند یافت «و این وعده محقق الهی است».

۲۵- «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ اِنَّهُ

كَانَ مَنصُورًا»^۱

مردی از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه فوق سوال کرد حضرت فرمود: «مراد از آیه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است که خروج نموده و در برابر خون حسین علیه السلام عده‌ای را به قتل می‌رساند. پس اگر همه اهل زمین را بکشند اسراف کننده نخواهد بود. بنابراین، این که خداوند می‌فرماید: «در کشتن اسراف کننده نخواهد بود» یعنی کاری که می‌کند اسراف به حساب نمی‌آید. سپس

۱. سوره اسراء، ۴ و ۵.

۲. سوره اسراء، ۳۳.

امام صادق عليه السلام فرمود: به خدا قسم فرزندان قاتلان حسین عليه السلام را بواسطه اعمال پدرانشان می‌کشد.

در تفسیر برهان آمده که شخصی از امام رضا عليه السلام از معنای کلام امام صادق عليه السلام سوال می‌کند و اینکه کشتن فرزندان به گناه پدرانشان چگونه با آیه «و لا تزر وازة وزر اخري» سازگار است؟ حضرت در پاسخ می‌فرمایند: منظور آن فرزندانی هستند که به عمل پدرانشان راضی بوده و افتخار می‌کنند و اگر کسی در مشرق کشته شود و کسی در مغرب به قتل او راضی باشد او هم شریک قاتل محسوب می‌گردد.

۲۶- «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»^۱

از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمودند: «امامت را بشناس که اگر امامت را شناختی نزدیکی و دوری این موضوع (قیام امام زمان) به تو زبانی نخواهد رسانید. چرا که خدای عزوجل می‌فرماید: «قیامت روزی است که هر امتی را به نام امامش فرا می‌خوانیم.» پس هر کس امامش را بشناسد همچون کسی است که در خیمه قائم عليه السلام به سربرد.

۲۷- «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۲

از امام باقر عليه السلام در مورد آیه شریفه نقل شده است که فرمود: «هنگامیکه قائم عليه السلام قیام کند دولت باطل از میان خواهد رفت.

۱. سوره اسراء، ۷۱.

۲. سوره اسراء، ۸۱.

از سوره مریم نازل شده است:

۲۸- «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ
مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا»^۱

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«وقتی که دیدند خروج قائم علیه السلام را پس در این روز می دانند آن چیز
را که به دست قائم علیه السلام از خدا با ایشان می رسد و می دانند که کیست
در نزد قائم علیه السلام بدتر از جهت مقام و کمتر از جهت لشکر.»

از سوره انبیاء نازل شده است:

۲۹- «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الذُّبُورِ مِنَ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ.»^۲

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که در مورد آیه شریفه فرمودند:
«آنها (عباد صالحی که زمین به آنها به ارث خواهد رسید) همان
یاران مهدی علیه السلام آخرالزمان هستند.»

از سوره حج نازل شده است:

۳۰- «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۳

امام صادق علیه السلام در تأویل قول خدای متعال فرمودند که:
«اهل سنت می گویند که: این آیه نازل شد در شأن رسول خدا و آل

۱. سوره مریم، ۷۵.

۲. سوره انبیاء، ۱۰۵.

۳. سوره حج، ۳۹.

اولاً در وقتیکه قریش آن حضرت را از مکه بیرون کردند نه چنین است که می‌گویند، بلکه مراد از آیه قائم علیه السلام است که برای خونخواهی امام حسین علیه السلام خروج خواهد کرد حاصل مضمون آیه این است: کسانی که مظلوم شده‌اند در قتال، مأذون می‌شوند و خدای به یاران ایشان قادر است.»

۳۱- «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: «این آیه مربوط به آل محمد صلوات الله علیهم، مهدی علیه السلام و یاران اوست که خدا آنها را بر شرق و غرب زمین مالک می‌سازد و دین را ظاهر نموده و بواسطه او و یارانش بدعتها و باطل را می‌میراند تا آنجا که هیچ اثری از ظلم باقی نماند. آنها به نیکی امر و از ناپسند نهی می‌نمایند و برای خداست عاقبت و نهایت کارها.»

از سوره نور نازل شده است:

۳۲- «وَعَدَا اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.»^۲

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «قسم به خدا آنها شیعیان ما اهل بیت هستند که خدا این وعده را در مورد آنها به دست مردی از ما محقق

۱. سوره حج، ۴۱.

۲. سوره نور، ۵۵.

می‌سازد و او مهدی علیه السلام این امت است و اوست آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر روزی از دنیا باقی نمانده باشد خدا آنروز را تا آنجا طولانی می‌کند که مردی از عترتم که نامش نام من است به ولایت رسیده و زمین را آنچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و قسط پر سازد.»

از سوره نمل نازل شده است:

۳۳- «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ

الْأَرْضِ.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«این آیه در مورد قائم از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده و اوست مضطر آنگاه که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌گذارد و خدا را می‌خواند پس اجابتش نموده و سوء و پلیدی را برطرف نموده و او را خلیفه روی زمین قرار می‌دهد.»

از سوره قصص نازل شده است:

۳۴- «وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً

وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ...»^۲

امیرالمومنین امام علی علیه السلام فرمودند:

۱. سوره نمل، ۶۲.

۲. سوره قصص، ۵.

«آنها (مستضعفان در آیه فوق) آل محمد ﷺ هستند که خدا مهدی علیه السلام آنها را بعد از تلاششان برانگیخته و آنها را عزیز و دشمنانشان را ذلیل می‌نماید.»

از سوره لقمان نازل شده است:

۳۵- «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۱

امام کاظم علیه السلام در مورد آیه فوق فرمودند:

«نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است. راوی می‌گوید پرسیدم: آیا در میان امامان هم کسی هست که غایب شود؟ حضرت فرمودند: آری، ظاهرش از دیدگان مردم پنهان می‌گردد اما یادش از دل‌های مومنان پنهان نمی‌شود او دوازدهمین از ماست که خدا هر سختی را برایش آسان و هر مشکلی را راحت می‌کند.»

از سوره زمر نازل شده است:

۳۶- «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»^۲

امام صادق علیه السلام در مورد آیه فرمودند:

«(رب) زمین، یعنی امام روی زمین و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده همانا هنگامیکه قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد.»

۱. سوره لقمان، ۲۰.

۲. سوره زمر، ۶۹.

از سوره فصلت نازل شده است:

۳۷- «سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ
الْحَقُّ»^۱

امام صادق علیه السلام در مورد آیه فوق فرمودند:

«خدای تعالی به ایشان می‌نماید در نفسهای خود مسخ شدن را و
در آفاق نقصان و تنگی را، پس می‌بینند قدرت خدا را هم در نفوس
خودشان و هم در آفاق.»

راوی می‌گوید به حضرت عرض کردم در معنی «حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ
الْحَقُّ» فرمودند:

«حق عبارت است از خروج قائم علیه السلام. ناچار است اینکه خلق او را
بینند.»

از سوره شوری نازل شده است:

۳۸- «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ
الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^۲

راوی می‌گوید: از امام صادق در مورد «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ»
پرسیدم فرمودند:

«حَرْثِ آخِرَتِ معرفت به امیرالمومنین و ائمه علیهم السلام است» عرض
کردم: معنی «نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» چه می‌باشد؟ حضرت فرمودند:
«نصیب او در دولت ائمه زیاد می‌شود» عرض کردم: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ

۱. سوره فصلت، ۵۳.

۲. سوره شوری، ۲۰.

حَزَتْ الدُّنْيَا نُوتَهُ مِنْهَا وَ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ.»^۱
 فرمودند: «کسی که نصیب دنیا را بخواهد، در دولت حق از قائم
 علیه السلام او را نصیبی نمی باشد.»

از سوره فتح نازل شده است:

۳۹- «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً»^۲

از امام صادق علیه السلام سوال شد: آیا امام علی علیه السلام در دین خدا قوی
 نبود؟ حضرت فرمودند: «آری» پرسیده شد: پس چگونه آن گروه
 توانستند بر او غلبه کنند و او آنها را کنار نبرد؟ چه چیز مانع از برخورد
 ایشان شد؟ حضرت فرمودند: «آیه ای از کتاب الهی» پرسیده شد کدام
 آیه؟ حضرت فرمودند: «این سخن الهی که «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ
 كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» همانا خدای متعال را مومنانی است که به
 صورت امانت در صلب کافران و منافقان قرار دارند، پس امام علی
 علیه السلام پدران را به امید آنکه در آینده این ودیعه ها از صلبشان خارج
 خواهد شد نمی کشت و هرگاه ودایع از اصلاب خارج می شد آنها را
 می کشت و همچنین است قائم ما اهل البیت که هرگز ظاهر نمی شود
 تا آنکه این امانات و ودایع الهی از اصلاب خارج شده باشد پس آنگاه
 بر هر کس از کفار دست یابد آنها را خواهد کشت.»

از سوره حدید نازل شده است:

۴۰- «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَخِيبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...»^۳

۱. سوره فتح، ۲۵.

۲. سوره حدید، ۱۷.

امام باقر علیه السلام در مورد این آیه شریفه فرمودند:

«منظور از مرگ زمین کفر اهل زمین است چرا که کافر مرده است پس خدا زمین را با قائم علیه السلام زنده می کند او عدالت را در زمین می گستراند و زمین را زنده نموده و اهل زمین را پس از مرگشان احیاء می نماید.»

از سوره ملک نازل شده است:

۴۱- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»^۱
علی بن جعفر می گوید از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: تاویل این آیه چیست؟

حضرت فرمودند: «چه خواهید کرد اگر امامتان را از دست داده و او را نبینید.»

از سوره قلم نازل شده است:

۴۲- «إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»^۲

امام صادق علیه السلام در مورد آیه فوق فرمودند:
«قائم علیه السلام را تکذیب می کنند و می گویند: ما تو را نمی شناسیم، تو از اولاد فاطمه علیها السلام نیستی، چنانکه مشرکان به محمد صلی الله علیه و آله گفتند.»

از سوره تکویر نازل شده است:

۴۳- «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُسْنِ الْجَوَارِ الْكَُنْسِ»^۳

۱. سوره ملک، ۳۰.

۲. سوره قلم، ۱۵.

۳. سوره تکویر، ۱۵-۱۶.

ام‌هانی می‌گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیه‌ای در کتاب خدای عزوجل ذهن مرا بسختی مشغول نموده و شب مرا به بیداری می‌کشاند. حضرت فرمود: کدام آیه است آنرا بپرس. عرض کردم: سخن خدای متعال «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَّارِ الْكُنَّسِ» حضرت فرمود: «خوب مطلبی را پرسیدی ای ام‌هانی این مولودیست در آخرالزمان او مهدی علیه السلام از این عترت است که برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که گروه‌هایی در آن غیبت گمراه و گروه‌هایی هدایت خواهد شد. پس ای خوشابر تو اگر او را درک نمایی و خوشا بر حال هر کس که او را درک کند.»

از سوره غاشیه نازل شده است:

۴۴- «هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ وَجُوهُ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مراد از آیه شریفه قائم علیه السلام است که ظالمان را با شمشیر احاطه

می‌کنند به قائم علیه السلام خضوع می‌کنند و طاقت ابا و امتناع ندارند.»

از سوره لیل نازل شده است:

۴۵- «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى»^۲

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«نهار عبارت است از قائم علیه السلام زمانی که قیام کرد بر دولت باطل

غالب می‌شود، خدای تعالی در قرآن برای خلق مثلها آورده با آنها به

۱. سوره غاشیه، ۱ - ۲.

۲. سوره لیل، ۲.

پیامبر خود خطاب نموده غیر از او کسی آنها را نمی داند.»

از سوره قدر نازل شده است:

۴۶- «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ

حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ»^۱

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل نموده اند که حضرت فرمودند: «روزی علی بن ابیطالب علیه السلام سوره قدر را قرائت نمودند و حسن و حسین علیه السلام در نزد آن حضرت بودند آنگاه امام حسن علیه السلام عرضه داشت:

از خواندن این سوره گویا کامتان شیرین گردید؟

امام علی علیه السلام فرمود: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و ای فرزندم بدان که من در این مورد چیزی را می دانم که تو از آن بی خبری و آن اینکه وقتی این سوره نازل شد جدت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پی من فرستاد و این سوره را بر من قرائت نمود و بر شانه راستم زده و فرمود: ای برادر، وصی و ولی امتم بعد از من این سوره در خصوص تو و پس از تو در خصوص فرزندان تو است. همانا برادرم جبرئیل خبرهای امتم در هر سال را به من می رساند و هم او این مطلب را همچون پیامهایی که بر انبیاء می رسانید به همراه نوری فروزان به قلب تو و جانشینانت نازل خواهد کرد تا آنگاه که زمان طلوع فجر قائم فرا رسد.»

۴۷- از سوره عصر نازل شده است:

«وَالْعَصْرِ»^۱

«وَالْعَصْرِ» عصر خروج قائم است و مراد از «انسان» دشمنان ما هستند و «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» آنانند که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» آنهایند که با برادران خویش مساوات نمایند و منظور از «حق» امامت و مراد از «تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» صبر در هنگام عدم دسترسی به امام است.

از سوره نصر نازل شده است:

۴۸- «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی نزد امیرالمومنین علیه السلام آمده و از طولانی شدن مدت دولت و سیطره ظلم شکایت کرد. امیرالمومنین علیه السلام به او فرمود به خدا آنچه آرزو دارید محقق نخواهد شد تا آن زمان که اهل باطل هلاک گردند و نادانان فرو پاشند و اهل تقوا - که چه کمند آنها - امنیت یابند در چنین زمان یأس و خواری است که: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» محقق می‌شود.

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَالْغَافِيَةَ وَالنَّصْرَ»

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

۱. سوره عصر، ۱.

۲. سوره نصر، ۱.

فصل چهارم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده است

شیخ صدوق در «امالی» خود روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما بنی عبدالمطلب سادات اهل بهشتیم، که عبارت است از من و حمزه سیدالشهدا و جعفر ذوالجناحین و علی و فاطمه و حسن و حسین و مهدی».

شیخ صدوق در «عیون اخبار رضا» به اسناد تمیمی از امام رضا علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «قیامت قیام نمی‌کند تا اینکه قیام نماید قائم به حق از ما و این در وقتی باشد که خدا او را اذن دهد در ظهور، هر که تابع شود نجات یابد، هر که تخلف کند هلاک شود. الله ای بندگان خدا! نزد او بروید، هر چند راه رفتن باشد با دستها و پاها در بالای برف به درستی که او خلیفه خدا و خلیفه من است»

شیخ صدوق در «امالی» خود نقل کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی که مرا به آسمان هفتمین بردند و از آنجا به سدره المنتهی و از سدره به حجابهای نور بردند، خدای تعالی مرا ندا فرمودند که: ای محمد! تو بنده من و من پروردگار تو، پس به من خضوع و تذلل و عبادت نمای و به من وثوق توکل کن. بدرستی که من

راضی شدم به اینکه تو بنده و حبیب و رسول و نبی من باشی، و به برادرت علی علیه السلام راضی گردیدم که خلیفه و باب من باشد. پس اوست حجّت خدا بر بندگان من و اوست پیشوا بر خلق من. با او دوستان از دشمنان امتیاز می‌یابند و به سبب او طایفه شیطان از طایفه من جدا می‌شود و با او دین برپا می‌گردد و حدود من محفوظ می‌ماند و احکام مرا انفاذ می‌کند و به سبب تو و او و ائمه از اولاد تو به بندگان خود رحم می‌کنم و با قائم علیه السلام زمین خود را هموار می‌گردانم به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجیدی که در روی زمین می‌شود، و با او زمین را از دشمنان پاک می‌کنم و او را با اولیای خود میراث می‌کنم و با او سخنان کفار را باطل و کلمه خود را بلند می‌گردانم و با او زنده می‌کنم بندگان و شهرهای خود را به علم خود، برای او ظاهر می‌کنم خزینه‌ها و ذخیره‌ها را به مشیت خودم و او را بر اسرار و ضمائر مطلع می‌گردانم به اراده خود و با ملائکه او را امداد می‌نمایم تا ایشان یاری او کنند در انفاذ امر من و اظهار نمودن دین من این ولی من و مهدی بندگان من است.»

در «عیون اخبار رضا» به اسناد تمیمی از امام رضا علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دنیا تمام نمی‌شود تا وقتی که به امر امت من قیام نماید مردی از اولاد حسین علیه السلام زمین را پر از عدل می‌کند چنانکه پر از ظلم و جور شده.»

شیخ طوسی در «امالی» خود نقل کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال مرض خود به حضرت فاطمه علیه السلام فرمودند: «سوگند یاد می‌کنم به آن

خدای که جان من در دست اوست لابد است برای این امت از مهدی علیه السلام به خدا سوگند یاد می‌کنم هر آینه او از اولاد تو است.»

شیخ طوسی در «امالی» خود از عبدالرحمان بن ابی لیلی روایت کرده او گفته که پدرم گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله بیرق را در دعوی خیبر به علی بن ابیطالب علیه السلام دادند، سپس خدا برای او فتح کرد. بعد از آن حکایت روز غدیر و بعض فضایل آن حضرت را در آن روز واقع شده بود نقل نمود تا اینکه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کردند، عرض کردند: یا رسول الله! چرا گریه می‌کنید؟ حضرت فرمودند: «خبر داد به من جبرئیل که به علی ظلم می‌کنند و حق او را از او می‌گیرند و با وی می‌جنگند و اولاد او را بعد او می‌کشند و بر ایشان ظلم می‌کنند جبرئیل از پروردگار خود به من خبر داد که: مصیبت اهل بیت من در وقت قیام قائم علیه السلام زایل می‌شود و کلمه ایشان بلند گردد، امت بر محبت ایشان اتفاق می‌کنند، دشمن ایشان کم می‌شود و ناخوش دارنده ایشان ذلیل و مداحشان بسیار گردد، این در وقتی است که بلاد متغیر و بندگان ضعیف شوند و از فرج مایوس گردند در این حال قائم علیه السلام ظهور می‌کند، نام او نام من است، نام پدرش مثل نام پسر من است، او از اولاد دختر من است، خدا حق را با ایشان ظاهر سازد و باطل را با شمشیرهای ایشان خاموش می‌نماید مردم به ایشان پاره‌ای از ترس و پاره‌ای دیگر از راه رغبت و میل، تابع می‌شوند.»

شیخ صدوق در «کمال الدین» نقل کرده که، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوگند یاد می‌کنم به آن خدایی که مرا به راستی به بشارت مبعوث

گردانیده، هر آینه غایب می شود قائم علیه السلام از اولاد من در وقتیکه من با او عهد کرده ام. حتی اکثر مردم می گویند که: خدا به آل محمد صلی الله علیه و آله احتیاج نیست و دیگران در ولادتش شک می کنند کسیکه زمان او را دریابد، به دین او چنگ بزند و به سبب شک نمودن، شیطان را به نزد خود راه ندهد که او را از دین من بیرون برد چنانکه پدر و مادر شماها را از بهشت بیرون نمود، بدرستی که خدا شیاطین را اولیای کسانی کرده که ایمان نمی آورند.»

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» به نقل از ابن عباس روایت کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خلفا و اوصیاء و حجتهای من بر خلق بعد از من دوازده نفرند، اولین ایشان برادرم و آخرینشان پسر من است.» عرض کردند: یا رسول الله! برادرت کیست؟ فرمودند: «علی بن ابیطالب علیه السلام» عرض کردند: پسرت کیست؟ فرمودند: «مهدی علیه السلام است» که پر می کند زمین را با عدل چنانکه با ظلم پر شده. سوگند یاد می کنم به آن خدایی که مرا با راستی فرستاده، هرگاه نماند از دنیا مگر یک روز هر آینه خدا آن را طولانی می گرداند، حتی خروج کند در آن روز پسر من مهدی، پس آن وقت عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید در پشت سر او نماز می کند. آن وقت زمین با نور خدا روشن می شود و تسلط او به مشرق و مغرب می رسد.»

در کتاب «کمال الدین» روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «گوارا باد به کسی که قائم اهل بیت مرا دریابد، در حالتی که در حال غیبتش به او و سایر ائمه (صلوات الله علیهم اجمعین) اقتدا کرده

و از دشمنان ایشان تبری نموده، ایشان رفیقان و عزیزترین امت منند.»
 در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام نقل است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی علیه السلام از اولاد من است، نامش نام من و کنیه اش،
 کنیه من است شبیه ترین مردمان است از حیثیت سیرت و صورت به
 من. او را غیبتی و حیرتی می شود تا به حدی که خلائق گمراه
 می شوند. پس در این وقت ظهور می کند مثل شهاب ثاقب، زمین را پر
 از عدل می گرداند چنانکه پر از ظلم و جور شده.»

در کتاب «کمال الدین» از امام صادق علیه السلام نقل است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که قائم علیه السلام را که از اولاد من است در زمان غیبتش
 انکار کند، هر آینه می میرد مانند مردن جاهلیت»

در کتاب «الغیبة» نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی از
 اولاد و اهل بیت من است. خروج می کند در آخر زمان، آسمان به
 جهت او قطره های خود را نازل می گرداند و زمین از یمن وی دانه های
 خود را می رویاند. زمین را پر از عدل و قسط می گرداند چنانکه پر از
 ظلم و جور شده.»

در کتاب «الغیبة» نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث طولانی
 فرمودند: «در این وقت مهدی خروج می کند، او مردی است از اولاد
 این (و به دست خود اشاره به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود) و با او خدا،
 باطل و دروغ را مضمحل می گرداند و شدت زمانه را زایل می کند، و
 به سبب او ذلت بندگی از گردنهای شما زایل می شود من اول این امم
 و مهدی اوسط ایشان است، و عیسی آخرشان، در اثنای این حال

بلاها به مردم رو می دهد.»

در کتاب «الغیبة» از امّ سلمه روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«مهدی علیه السلام از عترت من و از اولاد فاطمه علیها السلام است.»

در کتاب «الغیبة» روایت شده که رسول خدا ﷺ به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند که: «به ما اهل بیت هفت چیز داده شد که به احدی پیش از ما داده نشده: پیامبر ما بهترین پیامبران است که پدرت باشد، و وصی ما بهترین اوصیا است و او شوهر تو است. شهید ما بهترین شهدا است او عمّ پدرت حمزه است و از ما است کسیکه خدا او را دو بال داده که با آنها در بهشت می پرد او پسر عمّت جعفر است، و از ما است دو سبط این امت ایشان پسرانت حسن و حسین هستند سوگند یاد می کنم به خدایی که غیر از او پروردگاری نیست که از ما است مهدی این امت که در پشت سرش عیسی بن مریم نماز می کند.»

فصل پنجم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

وارد شده است

در کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق، از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که آن حضرت به امام حسین علیه السلام فرمودند: «یا حسین علیه السلام! نهمین از اولاد تو، قائم علیه السلام به حق و اظهار کننده دین و سبط دهنده عدل است.» امام حسین علیه السلام گوید: «عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! آیا اینکه فرمودی خواهد شد؟ فرمود: «بلی، سوگند به خدای که محمد صلی الله علیه و آله را از همه خلائق برگزیده و به پیامبری مبعوث گردانیده لکن قیام وی بعد از غیبتی و حیرتی خواهد بود که در آن غیبت در دین و اعتقاد ثابت نمی شود مگر مخلصین و ارباب یقین که خدا عهد و پیمان ولایت ما را از ایشان اخذ کرده و ایمان را در دلهای ایشان نوشته و ایشان را با روح خود مؤید گردانیده»

در کتاب «الغیبة» شیخ طوسی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: «شما در چه حال می شوید در وقتی که بی امام بمانید! در آن وقت بعضی از شما از بعضی دیگر تبری می کنند.»

محمد بن ابراهیم در کتاب «الغیبة» از حضرت علی علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: «آگاه شوید هر آینه من و این دو پسرم کشته

خواهیم شد؛ خدای تعالی در آخر زمان مبعوث گرداند مردی را که خونخواهی ما را می‌کند و از ایشان غایب می‌شود تا اینکه اهل ضلالت تمیز یابند و جَعَالَ بگویند که: خدا را به آل محمد ﷺ احتیاج نیست».

در کتاب «طرایف» روایت شده که حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام نگاه کردند و فرمودند: «این پسر من سید است چنانکه رسول خدا ﷺ او را سید نامیده و بزودی از صلب وی مردی بیرون آید نامش نام پیامبرش است در خَلْقِ نَه در خَلْقِ به او شبیه است زمین را پر از عدل گرداند.»

شیخ طوسی در «امالی» از حضرت علی علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«هر آینه زمین پر از ظلم و جور گردد به حدی که احدی لفظ جلاله را ذکر نمی‌کند مگر مخفی بعد از آن خدا قوم صالحی آورد زمین را پر از عدل و قسط می‌گرداند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده.»

در کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق از ابن نباته روایت شده که او گفته: نزد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمدم، ایشان را متفکر یافتم، دیدم که چوبی در دست گرفته هموار بر زمین می‌زند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! شما را متفکر می‌بینم و سر چوب را بر زمین می‌زنید، آیا از راه رغبت است به آن؟ فرمود: «سوگند به خدا یاد می‌کنم که مرا در هیچ وقت به زمین دنیا رغبت نشده و لکن در امر مولودی فکر می‌کنم که یازدهمین است از اولاد من، نامش مهدی است. زمین را پر از عدل گرداند چنانکه پر از ظلم گردیده او را حیرتی

و غیبتی می‌شود که در آن پاره‌ای اقوام گمراه و پاره‌ای در هدایت می‌باشند» عرض کردم: یا امیرالمؤمنین آیا این خواهد شد؟
فرمودند: «بلی او خلق شده و تو را علم بر این امور از کجا است یا اصبغ! ایشان بهترین و برگزیدگان این امتند که با نیکوکاران این عترت خواهند بود» عرض کردم: بعد از این چه می‌شود؟ فرمود: «هر چه که خدا خواهد می‌کند، بدرستی که خدا را ارادت و غایات و نهایات هست.»

فصل ششم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

وارد شده است.

در کتاب «کمال الدین» از ابی سعید عقیصاء روایت شده که او گفته: وقتیکه حسن بن علی علیه السلام با معاویه بن ابی سفیان (لعنت الله علیه) مصالحه نمود، مردم به خدمت آن حضرت داخل شدند، بعضی از ایشان آن حضرت را به سبب بیعت با معاویه ملامت نمودند آن حضرت فرمودند: «وای بر شما آیا نمی دانید، به خدا سوگند آنچه که من کردم برای شیعه من بهتر است از چیزهایی که آفتاب بر آنها طلوع و غروب می کند، آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعة شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از دو سید جوانان اهل بهشتم؟» عرض کردند: بلی می دانیم.

فرمودند: «آیا ندانسته اید که خضر کشتی را شکست و غلام را کشت و اقامه دیوار نمود، موسی بن عمران از کرده او در غضب شد زیرا که وجه حکمت و مصلحت بر او مخفی بود و حال آنکه در نزد خدا حکمت و صواب بود؟ آیا ندانسته اید که از ما اهل بیت کسی نیست که بیعت سلطان طاغی زمانش در گردن وی نباشد مگر قائم علیه السلام که روح الله در پشت سرش نماز می کند، و خدای تعالی ولادت او

را مخفی و شخصش را غایب گرداند تا اینکه احدی را در گردن وی بیعتی نباشد؟

زمانیکه امام نهمین از اولاد برادرم حسین علیه السلام که پسر سیده کنیزها و بهترین ایشان است متولد گردد خدای تعالی غیبت او را طولانی گرداند، بعد از آن به قدرت خود در صورت جوانی که از حدّ چهل سالگی کمتر است، ظاهرش می‌کند تا اینکه معلوم شود که خدای تعالی بر هر چیز قادر است»

در کتاب «کمال الدین» از ابا عبد الله الحسین علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: «در امام نهمین از اولاد من سنتی هست از یوسف و سنتی از موسی بن عمران او قائم ما اهل بیت است خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.»

در کتاب «کمال الدین» از امام حسین علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: «قائم این امت امام نهمین از اولاد من است، اوست صاحب غیبت و او کسی است که میراث خود را در حال حیات تقسیم می‌کند»

در کتاب «کمال الدین» از امام حسین علیه السلام روایت است که حضرت فرمودند: «از ما اهل بیت دوازده نفر مهدی است، اولشان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرشان امام نهمین از اولاد من، او امام قائم به حق است خدای تعالی زمین را بعد از مردن به سبب او زنده می‌گرداند و دین حق را بر همه ادیان غالب می‌کند هر چند که مشرکین آن را ناخوش بدارند او را غیبتی خواهد شد که در آن غیبت پاره‌ای اقوام مرتد و پاره‌ای دیگر در دین ثابت می‌شوند و به ایشان

اذیت و آزار می‌رسد و به ایشان گویند که: این وعده کی تحقق به هم خواهد رسانید؟ آگاه شوید بدرستی کسیکه در زمان غیبتش به اذیت و آزار کسانی که او را تکذیب می‌کنند، صبر نماید، به منزله این است که با شمشیر در پیش روی رسول خدا ﷺ جهاد نماید.»

در کتاب «کمال الدین» از عبدالله بن عمر روایت شده او گفته از امام حسین علیه السلام شنیدم که حضرت فرمود: «هرگاه باقی نماند از روزگار مگر یک روز، هر آینه خدا آن را طولانی گرداند تا اینکه خروج کند مردی از اولاد من، زمین را پر از عدل می‌کند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده به همین نهج این حدیث را از رسول خدا ﷺ شنیدم.»

فصل هفتم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام علی بن الحسین علیه السلام وارد شده است

در کتاب «کمال الدین» از امام علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند: «آیه «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» در شأن ما نازل گردیده و قول خدای تعالی «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» نیز در شأن ما نازل شده. امامت را خدای تعالی تا روز قیامت در عقب و ذریه حسین بن علی علیه السلام گردانید بدرستی که قائم ما علیه السلام را دو غیبت هست یکی از دیگری اطول».

در کتاب «کمال الدین» از امام علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: «قائم علیه السلام از ما است ولادتش بر مردم مخفی می ماند بطوری که گویند: او هنوز متولد نگردیده، هر آینه خروج می کند در وقتی که خروج خواهد کرد و احدی را در گردن او بیعتی نمی باشد».

شیخ مفید در کتاب «مجالس» خود از ابی خالد کابلی روایت کرده او گفته: امام علی بن الحسین علیه السلام به من فرمودند: «یا اباخالد! هر آینه فتنه هایی که مانند شب ظلمانی هستند می رسند، از آنجا نجات نمی یابد مگر کسی که از ایشان خدای تعالی عهد و میثاق گرفته، ایشان چراغهای هدایتند و چشمه های علم خدا، ایشان را از همه فتنه

ظلمانی نجات می‌بخشد گویا که صاحب شما را می‌بینم در بالای
نجف اشرف در پشت کوفه بلند شده و با او سیصد و سیزده نفر
هستند جبرئیل در دست راست، میکائیل در دست چپ و اسرافیل
در پیش روی او است و با او است رایت رسول خدا ﷺ که او را نشر
کرده، آن علم را نمی‌کشد بسوی قومی مگر اینکه خدا ایشان را هلاک
گرداند».

فصل هشتم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام باقر علیه السلام وارد شده است

در کتاب «کمال الدین» از ابی الجارود نقل شده او از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: «یا ابا الجارود! در زمانیکه فلک دوران نمود - یعنی احوال زمانه متغیر گردید - و مردم گفتند که: قائم علیه السلام مرده یا هلاک گردیده یا اینکه به کدام بیابان رفته و کسانیکه طالب هلاک اویند گفتند که: او چگونه ظهور می کند و حال آنکه استخوانهایش پوسیده گردید آن وقت به ظهورش امیدوار باشید وقتیکه ظهور او را نشنیدید به نزد او آید که با راه رفتن باشد با دستها و پایها در روی برف»

در کتاب «کمال الدین» از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: شنیدم از ابی جعفر علیه السلام که آن حضرت فرمودند: «نزدیکترین خلق به خداوند و داناترین و مهربانترین ایشان محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است هر جا که ایشان بروند شما هم با ایشان بروید، و جدایی بکنید از کسیکه ایشان از او جدایی می کنند و مرادم از ائمه، حسین علیه السلام و اولاد او است بدرستیکه حق در ایشان است و ایشانند اوصیاء و کسی را نبینید، با نور خدای تعالی روشنایی به هم رسانید و به طریقه ای که در آن هستید نظر کنید و به آن تابع شوید. کسیکه پیشتر دشمن

می داشتید، دشمن بدارید، کسی را که پیشتر دوست می داشتید دوست بدارید که بزودی فرج به شما می رسد.»

در کتاب «کمال الدین» از معروف بن حربوذ روایت کرده او گفته: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که: از خودتان به من خبر ده. فرمودند: «ما به منزله ستارگانیم، زمانیکه ستاره‌ای از ما غایب شده ستاره دیگر ظاهر شود که مامن و امان و سلم و اسلام و فاتح و مفتاح است و در وقتیکه بنی عبدالمطلب بر بلاد متولی گردیدند، آن وقت خلائق از یکدیگر تمیز نمی یابند و نمی دانند که امام ایشان کیست، آنگاه ظاهر گرداند خدای تعالی صاحب شما را، پس آن وقت حمد خدای را نمایید. خدای تعالی او را در مابین دو ایر که نام یکی صعب و دیگری ذلول است مخیر گرداند، آن حضرت صعب را بر ذلول اختیار نماید چنانکه خدای تعالی ذوالقرنین را در میان ایشان مخیر نمود، ذلول را اختیار کرد و صعب را برای قائم علیه السلام گذاشت.»

در کتاب «کمال الدین» از ام هانی ثقفیه روایت کرده او گفته: در صبحگاهی به خدمت امام محمد باقر علیه السلام رفتم و عرض کردم که: آیه‌ای از قرآن به دلم گذشت، تفکر کردم در مضمون آن مرا مضطرب و بی خواب گردانید. فرمود: «یا ام هانی از من بپرس» عرض کردم: قول خدای تعالی «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» در شأن کیست؟ فرمودند:

«در شأن مولودی است در آخر که نامش مهدی است و از عترت آل محمد صلی الله علیه و آله است، او را حیرتی و غیبتی می باشد که در آن پاره‌ای اقوام گمراه و پاره‌ای دیگر در راه می باشند گوارا باد تو را اگر او را

بیابی، و همچنین گوارا باد کسانی را که او را می‌یابند.»
در کتاب «کمال‌الدین» از ابویوب مخذومی روایت شده او گفته:
امام محمدباقر علیه السلام ذکر سیر خلفا می‌نمود و قتیکه به آخر ایشان رسید
فرمودند:

«امام دوازدهمین که عیسی بن مریم علیها السلام در پشت سرش نماز
می‌کند بر سنت وی ملازم شوید.»

محمد بن ابراهیم در کتاب «الغیبة» از ام‌هانی روایت کرده او گفته:
امام محمدباقر علیه السلام فرمودند: «یا ام‌هانی! امام غایب می‌شود و علم او
از مردم منقطع گردد و این در سال دویست و شصت خواهد شد. بعد
از آن مانند شهاب سوزان در شب تاریکی ظاهر می‌شود اگر آن زمان را
بیابی شاد خواهی شد.»

محمد بن ابراهیم در «الغیبة» از امام محمدباقر علیه السلام نقل کرده که
حضرت فرمودند: «حضرت موسی به سفر اول توریة نظر کرد،
چیزهایی را که خدا درباره قائم علیه السلام داده بود دید، عرض کرد که:
خدایا! مرا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله گردان. وحی رسید که: او از ذریة احمد
است. بعد از آن به سفر ثانی نظر کرد پس در آن هم مثل اینها را دید،
بعد از آن در سفر سوم هم اینها را به نظر آورد و گفته شد به او چیزی
که در دفعة اول گفته گردید.»

فصل نهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام صادق علیه السلام وارد شده است.

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از سدیر روایت کرده، او گفته: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمودند: «به درستی که در قائم علیه السلام سنتی است از یوسف علیه السلام عرض کردم که: گویا مرا از سنت یوسف غیبت و حیرت است؟ فرمودند: «از این امت انکار این مراتب نمی کنند مگر اشباه خنازیر، بدرستی که برادران یوسف اسباط و اولاد انبیاء بودند، با حضرت یوسف تجارت و خرید و فروش کردند و به او خطاب می کردند و او را نمی شناختند و او ایشان را می شناخت، تا اینکه حضرت یوسف به ایشان فرمود که: من یوسفم.

پس چه شده است بر این امت ملعون که انکار می کنند، زیرا که خدای تعالی حجّت خود را مدتی غایب گرداند بدرستیکه یوسف را پادشاه مصر دوست می داشت و مابین او و پدرش یعقوب هیچده روز راه بود، و اگر در آن حال خدای تعالی اراده شناسانیدن مکان وی می کرد، هر آینه قادر بود. بدرستیکه بعد از رسیدن مژده به یعقوب، با اولاد خود از راه بیابان در مدت نه روز به مصر رفتند.

پس چرا این امت انکار می کنند که خدا درباره حجّت خود بکند چیزی را که درباره یوسف علیه السلام نمود؟ و چه می شود که آن حضرت در

بازار ایشان برود و به روی بساطشان پا بگذارد و ایشان او را نشناسند؟ تا وقتی که به اذن خدای تعالی خود را به ایشان بشناساند چنانکه یوسف را در شناساندن خود مأذون نمود در وقتی که گفت:

«هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ - قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي.»

حاصل مضمون این است که: آیا دانستید که به یوسف و برادرش چه کردید در وقتی که جاهل بودید؟ ایشان گفتند: آیا تو یوسفی؟ گفت: من یوسفم و این هم برادر من است.

شیخ صدوق در «علل الشرایع» از حنان بن سدیر او از پدرش، او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «بدرستی که قائم ما را غیبتی است که مدتش طولانی گردد» عرض کردم که: سبب این چه می شود؟ فرمود که: «خدای تعالی ابا می فرماید از اینکه در حق او سایر انبیا را در حال غیبتشان جاری نگرداند و لابد است که آن حضرت به قدر مدت غیبت سایر انبیا غیبت شود زیرا که خدای تعالی می فرماید:

«لَتَرْكِبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» یعنی: جاری می شود در پاره سنن که علاوه بر سنن کسانی است که پیش از شما بودند.

در کتاب «کمال الدین» از صفوان بن مهران او از امام صادق علیه السلام روایت کرده، آن حضرت فرمودند: «کسی که اقرار به جمیع ائمه نماید لکن منکر مهدی علیه السلام شود، مانند کسی است که به جمیع انبیا اقرار کند و محمد صلی الله علیه و آله را انکار نماید»

عرض کردند که: یا بن رسول الله! از اولاد تو مهدی علیه السلام کیست؟

فرمودند:

«امام پنجمین از اولاد امام هفتمین است شخص او از شماها غایب گردد و ذکر نامش بر شما حلال نمی شود.»
در کتاب «کمال الدین» از ابی الهیثم بن ابی حیّه او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «زمانیکه سه نام متوالی که محمد و علی و حسن علیهم السلام باشند جمع شدند چهارمین قائم علیه السلام است.»

در کتاب «کمال الدین» از مفضل روایت شده که ایشان گفته اند:
«امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدای تعالی چهارده هزار سال پیش از خلق جمیع مخلوقات، چهارده نوری خلق کرد، آنها ارواح ما بودند.»
عرض کردند: یا بن رسول الله! آن چهارده نفر کیانند؟

حضرت فرمودند: «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه که از اولاد حسین اند، آخر ایشان قائم است که بعد از غیبتش قیام نماید و دجال را می کشد و زمین را از هرگونه جور و ظلم پاک گرداند.»
در کتاب «کمال الدین» از ابی بصیر روایت شده که ابی عبدالله علیه السلام فرمودند:

«از ما اهل بیت دوازده نفر مهدی است، شش نفر از ایشان گذشته و شش نفر دیگر باقی مانده، خدای تعالی درباره ششمین هر چیزی را که دل او دوست می دارد می کند.»

فصل دهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام کاظم علیه السلام وارد شده است.

شیخ صدوق در «علل الشرایع» از امام موسی ابن جعفر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «در وقتیکه امام پنجمین از اولاد امام هفتمین مفقود گردید، در خصوص دین خود به خدای تعالی توکل نمایند که شما را از دین خود زایل نگرداند.» بعد از آن فرمودند: «ای پسر من! صاحب این امر را لابد است از غیبتی، تا اینکه به سبب آن غیبت کسانی که به وجود آن حضرت اعتقاد دارند از عقیده خودشان رجوع نمایند و غیبت آن حضرت امری است و محنتی که خدای تعالی بندگان خود را به آن امتحان خواهد نمود هرگاه آباء و اجداد، دینی بهتر از این دین می دانستند هر آینه تابع آن می شدند.» در کتاب «کمال الدین» از محمد بن زیاد ازدی روایت شده که ایشان گفته: از آقای خود موسی بن جعفر علیه السلام از قول معنی خدای تعالی «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» پرسیدم، آن حضرت فرمودند: «نعمت ظاهره عبارت است از امام ظاهر و باطنه از امام غایب» عرض کردم: در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ فرمودند: «بلی، شخص او از دیده‌ها غایب گردد و لکن ذکرش از دلهای مومنین فراموش نمی‌شود. او امام دوازدهم است از ما، خدای تعالی هر

مشکلی را بر او آسان گرداند و جمیع سرکشان را در پیش وی ذلیل می‌کند، و خزینه‌های زمین را برای او ظاهر گرداند، و چیزهای دور را به او نزدیکی نماید، و با او همه ظالمان را هلاک می‌کند، و تمرّد کنندگان شیاطین را در دست وی فانی می‌گرداند، اوست پسر سیده کنیزها که ولادتش بر مردم مخفی می‌ماند و ذکر نام وی بر ایشان حلال نمی‌شود تا وقتی که خدای تعالی او را ظاهر گرداند و با او زمین را پر از عدل و قسط گرداند چنانکه پر از جور و ظلم گردیده.»

در کتاب «کمال‌الدین» از عباس بن عامر روایت شده که ایشان گفته‌اند: از امام موسی علیه السلام شنیدم می‌فرمودند که: «خلایق در خصوص صاحب این امر خواهند گفت که: هنوز متولد نشده»

در کتاب «کمال‌الدین» از داود بن کثیر آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: صاحب این امر کیست؟ فرمودند: «او مردی است تنها مانده، و از اهل و وطن غایب شده و پدر او را کشته‌اند و خونخواهی نکرده.»

در کتاب «کمال‌الدین» از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که حضرت در مورد تأویل آیه: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» فرمودند:

«زمانیکه امام خودتان را مفقود نمودید، دیگر او را نمی‌بینید پس آنگاه چکار می‌کنید؟!»

در کتاب مذکور از یونس بن عبدالرحمان روایت شده که ایشان گفته‌اند: به خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام داخل گردیدم و عرض کردم که: یا بن رسول الله! آیا تویی قائم به حق؟ فرمودند: «من قائم به

حق هستم ولکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا، پاک و عاری می‌گرداند و آن را پر از عدل می‌کند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده، امام پنجمین است از اولاد من، او را از جهت خوف بر نفس خود غیبتی است طولانی، به سبب آن پاره‌ای اقوام از دین برمی‌گردند و پاره‌ای دیگر در آن ثابت می‌شوند.»

بعد از آن فرمودند: «خوبی و گوارایی باد شیعه ما را که در زمان غیبت آن حضرت به محبت ما چنگ زده، در دوستی ما و دشمنی با دشمنان ما ثابت قدمند، ایشان از ما هستند و ما از ایشانیم. ایشان به امامت ما راضی و ما به شیعه‌گی ایشان خوشنود هستیم. خوبی باد ایشان را، به خدا سوگند یاد می‌کنم هر آینه ایشان روز قیامت در درجه ما با ما هستند.»

فصل یازدهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام رضا علیه السلام وارد شده است

شیخ صدوق در «علل الشرایع» از امام رضا علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند:

«گویا شیعه خود را می بینم در حالیکه امام خود را مفقود کرده، مانند چهارپایان طلب چراگاه می کنند و او را نمی یابند.» عرض کردند: یا بن رسول الله! سبب غیبتش چیست؟

فرمودند: «برای این است که در وقت ظهور او احدی را درگردنش بیعتی نباشد.»

در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام از ابن محبوب روایت شده که ایشان گفته اند: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که آن حضرت به من فرمودند:

«لابد است از وجود حدوث فتنه شدیدی، یعنی: غیبت قائم علیه السلام که همه خواص و اهل سریره بر آن فتنه مبتلا می شوند این در وقتی است که شیعه ما امام سومین را از اولاد من که عبارت از امام حسن عسگری علیه السلام باشد مفقود نمایند، که همه اهل آسمان و اهل زمین و هر مرد و زن دلسوخته و حزین به او می گیرند.»

بعد از آن فرمودند: «پدرم و مادرم فدای همانم و شبیه جدم و شبیه

موسی بن عمران باد، که در بر و دوش او لباسهای قدس و خلعتهای ربّانی هست که از جیوب آنها انوار فضل و هدایت پرتو می‌اندازند، چه بسیار است مومنه دلسوخته و مومن تأسف‌کننده و متحیر در وقت فقدان آب صافی که عبارت از قائم علیه السلام است. گویا که به حال ایشان نظر می‌کنم و از ایشان مأیوسم که ایشان را ندا نمودند با ندایی که از دور شنیده می‌شود چنانکه از نزدیک شنیده گردد، و قائم علیه السلام بر مومنین رحمت و بر کافرین عذاب و نقتت خواهد شد.»

در کتاب «کمال‌الدین» از احمد بن زکریا روایت شده که ایشان گفته: امام رضا علیه السلام از من پرسیدند که: «منزل تو در کدام محله بغداد می‌شود؟» عرض کردم که: در محله کرخ.

فرمودند: «سال‌متر محلی است و لابد است از حدوث فتنه شدیدی که تسکین آن ممکن نمی‌شود که همه خواص و اهل سرّ به او مبتلا می‌شوند، این در وقتی است که شیعه ما امام سومین از فرزندان من را که امام حسن عسگری علیه السلام باشد مفقود نمایند.»

محمد بن ابراهیم در «الغیبه» خود از ایوب بن نوح روایت کرده که ایشان گفته امام رضا علیه السلام فرمودند: «در وقتی که علم از میان شما برداشته گردید - یعنی: امام شما مفقود شد - آنگاه از زیر پایهای خود منتظر فرج باشید.»

فصل دوازدهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام محمد تقی علیه السلام وارد شده است

در کتاب «کمال الدین» از عبدالعظیم حسنی روایت شده که ایشان گفته‌اند: به خدمت آقای خود امام محمد تقی علیه السلام داخل شدم و اراده کردم که از آن حضرت سوال نمایم که قائم آیا مهدی علیه السلام است یا غیر ایشان؟ ناگاه آن حضرت به من سبقت نموده فرمودند: «یا ابا القاسم! بدرستیکه قائم ما همان مهدی است که واجب است در زمان غیبتش انتظار او را کشیدن، در وقت ظهورش اطاعت او را کردن او امام سومین است از اولاد من. سوگند به خدایی که محمد را به پیامبری مبعوث گردانید و امامت را به ما منحصر نمود اگر از دنیا غیر از یک روز باقی نماند، هر آینه خدای تعالی او را طولانی گرداند تا اینکه آن حضرت در آن روز خروج نماید و زمین را پر از قسط و عدل گرداند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده، بدرستیکه خدای تعالی کاروی را در یک شب اصلاح می‌کند چنانکه کار کلیم خود موسی را در یک شب اصلاح نمود، زیرا که به تحصیل آتش برای اهل و عیال خود رفت و بعد از زمانی قلیل با نبوت و رسالت برگشت» بعد از آن حضرت فرمودند: «افضل اعمال شیعه ما انتظار فرج است».

محمد بن ابراهیم در «الغیبه» از علی قیسی روایت کرده که ایشان

گفته: به امام محمدتقی علیه السلام عرض کردم که: بعد از شما خلیفه که می باشد؟ حضرت فرمودند: «پسرم علی است» بعد از آن زمان طویلی سر خود را به زیر افکنده بعد از آن سر برداشته فرمودند: «بدرستیکه در این زودی حیرتی خواهد شد.» عرض کردم که: در آن حال به نزد که برویم؟ حضرت سکوت فرمودند جواب ندادند، بعد از آن تا سه مرتبه فرمودند که: «بسوی وی راه نمی یابید و در هیچ جا او را پیدا نمی توانید.»

محمد بن ابراهیم در «الغیبة» از عبدالعظیم بن عبدالله روایت کرده که ایشان گفته: از امام جواد الائمه علیه السلام شنیدم که حضرت می فرمودند: «زمانیکه پسرم علی وفات نمود، چراغی بعد از او ظاهر گردد، بعد از آن مخفی می شود آنگاه وای بر کسی باد که در خصوص وی شک نماید.»

شیخ محمد بن علی در کتاب «کفایة» از عبدالعظیم حسنی روایت کرده که ایشان گفته:

به امام محمدتقی علیه السلام عرض کردم که: امید دارم تو باشی قائم آل محمد علیهم السلام که زمین را پر از عدل و قسط گرداند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده. آن حضرت فرمودند: «یا ابا القاسم! همه ماها قائم به امر خدا و هدایت کننده به دین او هستیم ولکن نیستیم آن قائمی که زمین را از اهل کفر، پاک گرداند و آن را با عدل و قسط پر می کند، او کسی است که ولادتش بر خلائق مخفی می ماند و شخص او از ایشان مستور گردد و بردن نامش بر ایشان حرام می باشد و او همان رسول خدا و هم کنیه اوست، او کسی است که زمین برای وی پیچیده

می شود و هر مشکلی بر او آسان گردد و در نزد او از اصحاب خود که به قدر عدد اصحاب پدرند که سیصد و سیزده نفر باشند از اطراف بعیده زمین جمع می شوند این است معنی قول خدای تعالی:

«أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

شیخ محمد بن علی در کتاب «کفایه» از صقر بن ابی دلف روایت کرده که ایشان گفته: از امام محمد تقی علیه السلام شنیدم که حضرت می فرمودند: «امام بعد از من پسر من علی است، امرش امر من و قولش قول من و اطاعتش اطاعت من است، و امام بعد از او پسرش حسن است امرش امر پدرش و قولش قول او و اطاعتش اطاعت او است.» بعد از آن حضرت سکوت نمودند آنگاه من عرض کردم: یا بن رسول الله! بعد از حسن امام کیست؟ آن حضرت گریه شدیدی نمودند بعد از آن فرمودند که: «بعد از حسن پسرش قائم به حق است که انتظارش کشیده می شود.» عرض کردم: یا بن رسول الله! او را به چه سبب قائم گویند؟ فرمودند: «زیرا که بعد از موت ذکرش و مرتد شدن اکثر کسانی که قایل به امامت اویند، قیام می کند.»

عرض کردم که: چرا منتظرش می نامند؟ فرمودند که: «او را غیبتی است، ایامش بسیار و زمانش طویل، مخلصین منتظر او می باشند و ارباب شک منکر او می شوند و منکرین استهزا به او می نمایند. کسانی که برای ظهورش تعیین وقت می کنند، دروغگو می باشند و کسانی که به ظهورش تعجیل نمایند هلاک می شوند و کسانی که در مقام تسلیم و رضا باشند نجات می یابند.»

فصل سیزدهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام هادی علیه السلام وارد شده است

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» از ابی هاشم جعفری روایت کرده که ایشان گفته:

از امام علی النقی علیه السلام شنیدم می فرمودند: «خلف بعد از من پسر من حسن است، حال شما با خلف بعد از خلف، چگونه خواهد شد؟» عرض کردم: فدای شما شوم! سبب این چه می شود؟ فرمودند: «زیرا که شما شخص او را نمی بینید و ذکر اسم وی بر شما حلال نخواهد شد.» عرض کردم: پس او را به چه نحو ذکر نماییم؟ فرمودند: «بگویید حجت آل محمد صلی الله علیه و آله».

در کتاب «کمال الدین» از علی بن مهزیار روایت شده که ایشان گفته اند: به خدمت امام علی النقی علیه السلام عریضه ای نوشتم، در آن پرسیده بودم که: برای ما فرج کی خواهد بود؟ آن حضرت در جواب من نوشتند: «زمانی که صاحب شما از دارالظالمین غایب گردد، آنگاه منتظر فرج باشید.»

در کتاب مذکور از اسحاق بن ایوب روایت شده که ایشان گفته: از امام علی النقی علیه السلام شنیدم می فرمودند: «صاحب این کسی است که خلائق در حق وی گویند که: او هنوز متولد نشده.»

در کتاب «کمال الدین» از علی بن عبدالغفار روایت شده که ایشان گفته: زمانیکه امام محمدتقی علیه السلام وفات نمودند، شیعیان به خدمت امام علی النقی علیه السلام عریضه نوشتند و در آن از امامت پرسیدند. آن حضرت به ایشان نوشتند که:

«امامت مادامی که زنده‌ام با من است، وقتیکه من وفات نمودم، خلفی از من برای شما می‌آید، لیکن حال شما چگونه خواهد شد با خلف بعد از خلف؟»

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» از بنان بن حمدویه روایت کرده که ایشان گفته: در نزد امام علی النقی علیه السلام وفات امام محمدتقی علیه السلام مذکور گردید آن حضرت فرمودند: «بعد از وفات پدرم من امام هستم و مشکلات خلائق به دست من منحل می‌شود لکن چگونه می‌باشد حال ایشان اگر مفقود نمایند امامی را که بعد از من است؟»

فصل چهاردهم:

اخباری که در خصوص حضرت قائم علیه السلام

از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده است

در کتاب «کمال الدین» از موسی بن جعفر بغدادی روایت شده که ایشان گفته اند: «از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «گویا شما را می بینم که بعد از من در خلف من اختلاف می کنید. آگاه شوید بدرستی، کسی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به همه ائمه اقرار نماید و پسر م را انکار کند، مانند کسی است که به جمیع انبیاء اعتراف کند و به نبوت محمد صلی الله علیه و آله منکر گردد، و منکر او کسی است که همه انبیا را انکار نماید. زیرا که اطاعت اولین ما مانند اطاعت آخرین ما است و منکر آخرین ما مانند منکر اولین ما است آگاه شوید به درستی که پسر م را غیبتی می شود که خلائق در خصوص وی شک می کنند، مگر کسی که خدا او را نگه بدارد.»

در کتاب مذکور از محمد بن عثمان عمروی روایت شده که ایشان گفته: از پدرم شنیدم می گفت: من در خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم، از آن حضرت پرسیدند حدیثی که از پدرانش روایت شده که روی زمین از حجت خدا بر خلق تا روز قیامت خالی نمی شود، و هر که بمیرد و نشناسد امام زمان خود را، مانند مرده ایام جاهلیت مرده است. آن حضرت فرمودند که: «این حدیث حق است.»

عرض کردند که: یابن رسول الله! بعد از تو حجت و امام کیست؟ فرمودند: «پسرم محمد، امام و حجت خدا است، بعد از من هر که بمیرد و او را نشناسد، مانند مرده اهل جاهلیت مرده، آگاه شوید آن حجت را غیبتی خواهد شد که جهال در آن حیران و اهل باطل هلاک خواهند گردید، کسانی که تعیین وقت ظهور او نمایند، دروغگو خواهند بود. بعد از آن ظهور و خروج می کند، گویا علم های سفید را می بینم در نجف در بالای سرش حرکت می کنند»

در کتاب «کمال الدین» از موسی بن جعفر بغدادی روایت شده که ایشان گفته: از امام حسن عسکری علیه السلام نوشته ای درآمد بدین مضمون که: «ظلمه گمان کرده بودند که مرا می کشند و این نسل را قطع می کنند، و حال آنکه خدای تعالی گمان ایشان را دروغ گردانید او را حمد می کنم.»

در کتاب مذکور از احمد بن اسحاق روایت شده که ایشان گفته: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که ایشان می فرمودند: «حمد خدای را سزد که مرا از دنیا به در نبرد تا اینکه به من نمود خلقی را بعد از من که شبیه ترین خلایق است به رسول خدا، هم از جهت خلق و هم از حیثیت خلق، خدای تعالی او را در ایام غیبتش محافظت می کند بعد از آن ظاهر گرداند آنگاه زمین را پر از عدل و قسط می کند چنانکه پر از ظلم و جور گردیده.»

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» از ابوهاشم جعفری روایت کرده که ایشان گفته: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم که: جلالت قدر تو مرا مانع می شود که از شما سوال کنم، آیا مآذون می کنی در اینکه از

شما بپرسم؟ آن حضرت فرمودند: «سؤال کن»، عرض کردم: ای سید من! آیا تو را پسری هست؟ حضرت فرمودند: «بلی».

در کتاب مذکور از احمد بن اسحاق روایت شده که ایشان گفته‌اند: از امام حسن عسکری علیه السلام صاحب این امر را پرسیدم، آن حضرت به دست خود اشاره فرمودند، یعنی:

«او زنده است، به شدت از او مراقبت می‌شود.»

شیخ محمد بن علی در کتاب «کفایة» از علان رازی روایت کرده که ایشان گفته‌اند: بعضی اصحاب ما به من خبر داد که، در وقتیکه جاریه امام حسن عسکری علیه السلام حامله گردیدند آن حضرت به ایشان فرمودند که: «حمل تو پسر است، نامش (م ح م د) و او است قائم بعد از من.» در کتاب «کمال الدین» از ابی غانم روایت شده که ایشان گفته‌اند: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم می‌فرمودند که: «در سال دویست و شصت از هجرت گذشته، شیعه من با همدیگر اختلاف می‌کنند» پس در همان سال آن حضرت وفات نمودند. شیعه و یاران وی متفرق شدند، پس پاره‌ای از ایشان خودشان را به جعفر منسوب کردند و پاره‌ای به شک و ریب افتادند و پاره‌ای دیگر در حیرت ماندند و جمعی هم در دین خودشان ثابت شدند.

خاتمه روایات:

آنچه که در این چند فصل عرضه گردید مجموعی از روایات شریفه بود که از اهل البیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم اجمعین) پیرامون حضرت قائم علیه السلام به ما رسیده است و ما آنها را به

صورت موجز و خلاصه انتخاب کردیم آنچه که مسلم است این که احادیث زیادی در این زمینه وارد شده و تأکید زیادی در باب قیام حضرت قائم و وجود نازنین آن حضرت شده است.

احادیث انتخابی ما در این مجموعه برگرفته از احادیث شریف موجود در کتاب بحار الانوار علامه مجلسی (ره) می باشد و در این فصول از کتاب شریف مهدی موعود استفاده های فراوانی برده شده. امید است مورد رضایت پروردگار متعال قرار گرفته باشد و سندی بر حقانیت حضرت قائم علیه السلام باشد.

ان شاء الله

فصل پانزدهم:

خورشید پنهان

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) دوازدهمین امام ما شیعیان در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در «سامرا» متولد شدند و تا سال ۲۶۰ در کنار پدر بزرگوارشان زندگی کردند. امام عسکری علیه السلام در ارتباط با ایشان دو وظیفه را عهده دار بودند: یکی حفظ فرزندش از گزند خلفای عباسی و دیگر، اثبات وجود ایشان و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم، ایشان این وظیفه را با نشان دادن فرزند گرامیشان به یاران نزدیک و مورد اعتماد انجام می دادند. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰، امامت حضرت مهدی علیه السلام آغاز شد. مرحله اول امامت ایشان که تا سال ۳۲۹ طول کشید، غیبت صغری نامیده می شود. امام در این دوره زندگی مخفی داشت اما از طریق یکی از یاران صمیمی و مورد اعتماد خود به نام عثمان بن سعید عمروی، با شیعیان ارتباط داشتند و آنان را رهبری می کردند. پس از درگذشت این شخص، به ترتیب سه نفر دیگر به نام های محمد بن عثمان بن سعید، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری این مسئولیت را بر عهده داشتند. این چهار شخصیت بزرگوار به نواب اربعه معروف اند «خداوند ایشان را مورد رحمت خود قرار دهد».

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر علیه السلام برای ایشان نامه ای نوشتند و فرمودند پس از خود جانشینی تعیین نکند که

مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری آغاز شده است.

علت غیبت امام عصر علیه السلام چیست؟

خداوند متعال نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان‌ها نشان داده است. علاوه بر این انبیاء و امامان که خود مظهر رحمت الهی اند نه تنها راه سعادت را به مردم معرفی کردند بلکه دلسوزتر از پدری مهربان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«انا و علی ابوا هذه الأمة»^۱

ایشان خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی کرده‌اند ناگفته پیداست که دل‌سوزی پدر معنوی برای فرزندان خود حدی ندارد و در هیچ شرایطی جدا شدن از آنها را تحمل نمی‌کند. اما ناسپاسی این فرزندان را ببینید که قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در وادی انحراف پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

حاکمان بنی عباس در صدد بودند که مهدی موعود علیه السلام را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم علیه السلام و سپس امام یازدهم علیه السلام و خانواده ایشان را در محله‌ای نظامی منزل دادند و آمد و رفت‌های آنان را زیر نظر گرفتند تا در صورت امکان، امام دوازدهم را در همان کودکی به شهادت برسانند. به سبب این قدرناشناسی و ناسپاسی و در خطر بودن جان آن حضرت خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از

نظرها پنهان کرد تا امامت در شکل جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد. تداوم آن نیز بر اثر باقی ماندن همان عوامل و عدم آمادگی مردم برای ظهور است. این غیبت آن قدر ادامه می یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت و ودیعه الهی را پیدا کنند در آن زمان، بشریت تحقق وعده های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی ماند. اما خداوند به علت ستمگری انسان ها و زیاده روی شان در گناه آنان را از وجود حجت در میان آنها بی بهره می سازد.»^۱

امام باقر علیه السلام نیز فرموده اند: «قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی گیرد مگر آن که گناهی انجام دهد که شایستگی، داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است:

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۲

توجه به این نکته در اینجا ضروری است که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت های خاص خود را دارد که باید بدان ها توجه کرد، برای مثال، در جامعه ای که گرفتار بی عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی اکثریت برخوردار نباشد، به نتیجه نمی رسد. برقراری عدالت

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۰۲.

۲. سوره انفال، ۵۳.

به تحول درونی همه یا پیش‌تر افراد نیاز دارد، یعنی، روح جمعی جامعه باید آماده و پذیرای آن شود. گسترش علم و فرهنگ نیز همین‌طور است. تنها زمانی دانش و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می‌کند که روح جمعی جامعه مشتاق و خواهان این پیشرفت باشد، بنابراین، اکثر یک ملت اگر خواستار عدالت نباشند و با ظلم مبارزه نکنند همه آنها گرفتار حاکمان ظالم و ستمگر خواهند شد و از زندگی در جامعه‌ای با قوانین عادلانه، بی‌نصیب خواهند ماند. به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید:

«تا گروه‌ها، اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱

رهبری و امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چگونه انجام

می‌شود؟

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که «غیبت» در اینجا در مقابل «ظهور» است نه «حضور». امام را «غایب» نامیده‌اند، زیرا ایشان از نظرها غایب‌اند، نه اینکه در جامعه حضور ندارند. ایشان چون خورشید عالم‌تاب انوار هدایت و رهبری خود را به خصوص بر شیعیان می‌تابانند، به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند نه اینکه ایشان در بین مردم حضور نداشته باشند. در احادیث شریف آمده است که ایشان هر ساله در مراسم حج حضور دارند و اعمال را انجام می‌دهند اما مردم

ایشان را نمی‌شناسند.^۱

امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمایند:

«حجت خداوند در میان مردم حضور دارد از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان او است»^۲

به همین جهت، رهبری امام در عصر غیبت را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند. امام عصر علیه السلام خود می‌فرمایند: «بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامیکه پشت ابرها باشد» این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی و ناتوانی انسان‌ها در مشاهده خورشید تابناک حقیقت است.

بخش اصلی رهبری امام مربوط به قلمرو ولایت معنوی است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، به صورت‌های مختلف، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از امدادهای معنوی در جهت رشد و تعالی روحی برخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید (ره) از علمای بزرگ اسلام می‌فرمایند:

«ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند».

ایشان در ادامه همین نامه می‌فرمایند:

۱. کمال‌الدین - ج ۲ - ص ۴۴۰.

۲. بحارالانوار - ج ۵۳ - ص ۱۸۱.

«ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌نمودند.»^۱

از این نامه امام در می‌یابیم که لطف و محبت ایشان همواره وجود دارد تا جایی که اگر دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و حوادث، ریشه‌مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور شیعیان است. این حفاظت و یآوری یا به طور مستقیم توسط خود آن حضرت یا از طریق واسطه و یاران مخصوص ایشان صورت می‌گیرد.

هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعا برای مومنان نمونه‌هایی از این دستگیرهاست. چه بسا افرادی که از یاری آن حضرت برخوردار می‌شوند، بدون آنکه ایشان را بشناسند. بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر علیه السلام نیست بلکه رهبری حقیقی شیعیان هم اکنون نیز با ایشان است اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند. همان طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند. اگر عالم را شب فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

دوران غیبت چه زمانی پایان می‌یابد؟

تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی

ندارد. آنچه برای ظهور لازم است، احساس جهانی برای امداد الهی و کمک غیبی، ناامیدی از همهٔ مکتب‌های غیرالهی و آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است و از این امور جز خداوند متعال کس دیگری آگاهی ندارد. بنابراین، کسانی که زمان ظهور را تعیین می‌کنند، دروغ‌گویند. وقتی از امام باقر علیه السلام پرسیدند که آیا برای ظهور وقتی معین شده است، حضرت سه مرتبه فرمودند: «كَذِبَ الْوَقَاتُونَ. تعیین کنندگان وقت، دروغ‌گویند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«مَثَلُ ظُهورِ حَضْرَتِ مَهْدِيٍّ مِثْلُ بَرِيائِي قِيَامَتِ اسْت. مهدی نمی‌آید مگر ناگهانی»

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، در حالیکه شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط بر اساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیدهٔ اصلی پیامبران الهی است اما همان طور که می‌دانیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جملهٔ این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری دربارهٔ ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی

اتفاق نظر دارند.

- یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی عليه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

- مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی عليه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی عليه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید منجی نهایی جهان حضرت عیسی عليه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی عليه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند دستگیر شد، روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱

- در آیین زرتشتی، اعتقاد به شوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.

موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانه جهانی را تشکیل خواهد داد یکی از لقب‌های ایشان نیز «مهدی» عليه السلام

۱. این در حالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی عليه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات‌بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیدن حضرت عیسی عليه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند. (سوره نساء - آیه ۱۵۷).

است. البته در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است اما مشخص نیست که این فرزند در چه زمانی به دنیا می‌آید.^۱

طرح یک سؤال

زننده بودن امام مستلزم عمر بسیار طولانی ایشان است آیا عمری تا این حد طولانی برای یک انسان امکان‌پذیر است؟
در پاسخ می‌گوییم: برخی امور از نظر عقلی امکان‌پذیر نیستند و محال است در جهان خارج تحقق پیدا کنند برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که تحقق آنها از نظر عقلی امکان‌پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. این‌ها امور غیرعادی‌اند، نه غیر عقلی. طولانی شدن عمر انسان‌ها از جمله این امور است از نظر عقلی، بدن انسان می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اما تحقق این هدف، تحت تأثیر هزاران هزار عامل طبیعی و زیستی در بیرون و داخل بدن انسان است. امروزه دانشمندان بر تعداد اندکی از این عوامل آگاهی یافته‌اند و تلاش می‌کنند که روز به روز آگاهی خود را بیشتر کنند تا بتوانند عمر انسان را طولانی‌تر نمایند. از آن جا که خداوند متعال از کلیه این عوامل و شرایط آگاهی دارد و همه آن عوامل و شرایط هم در اختیار

۱. تاریخ نجاری - ج ۳ - ص ۳۴۳، کتاب مهدی - ج ۴ - ص ۱۰۷، مستدرک حاکم، ج ۴، ص

اوست، به قدرت و اراده خود جسم مبارک امام عصر علیه السلام را جوان نگه می‌دارد تا آن حضرت به حیات خود ادامه دهد پس، عمر طولانی امام امری غیر عادی، نه غیر عقلی و محال است و با قدرت الهی انجام می‌گیرد.

انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است. انتظار هم یک امر فطری انسانی و هم یک اصل مثبت اجتماعی است.

ای پسادشه خوبان، داد از غم تنهایی
دل بی‌تو به جان آمد، وقت است که بازآیی
دائم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
ای درد توام درمان در بستر ناکامی
وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی
حافظ، شب هجران شد، بوی خوش وصل آمد
شسادیت مبارک باد، ای عاشق شیدایی

خاتمه

(دعا برای ظهور امام)

در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می شود.

امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام می فرمایند:

«منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.»
لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام و حضور در پیشگاه اوست. بر این اساس، خواست خود را اینگونه به درگاه خداوند عرضه می داریم:

«خدایا! از تو آن دولت باکرامتی را طلب می کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیزگردانی و نفاق و اهلش را خوار سازی. ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار»^۱
در پایان، امیدوارم خداوند متعال منت خویش را به ما بندگان گنهکارش تمام کند و ظهور آخرین ذخیره الهی را برساند و ما را از جمله یاران و عاشقان واقعی آن حضرت قرار دهد و این تلاش کوچک در راه فرهنگ سازی مهدویت و آشنایی با آن امام همام را از من بنده حقیرش قبول فرماید و آن را ذخیره آخرتم قرار دهد.

ان شاء الله

و السلام علیکم و رحمة الله.

منابع و مأخذ:

در این مجموعه از این کتب ارزشمند استفاده‌های فراوانی شده است.

قرآن کریم

بحار الانوار (جلد ۱۳) (علامه مجلسی)

الغیبة (شیخ طوسی)

علل الشرایع (شیخ صدوق)

کمال‌الدین (شیخ صدوق)

معانی الاخبار (شیخ صدوق)

کافی (شیخ کلینی)

مهدی در قرآن (آقای سید محمد عابدین زاده)

الارشاد (شیخ مفید)

مهدی موعود (ترجمه آقای حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای)

عیون اخبار رضا (شیخ صدوق)